

# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۱۴

جمعه ۱۳ فروردین ۱۴۰۰ - ۲ آوریل ۲۰۲۱

### قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین: سه جبهه جدال شهلا دانشفر



### زنان کارگر در صف اول مبارزه علیه کودتای نظامیان در میانمار!

شماره صفحه:

در این شماره انترناسیونال:

- ۱ و ۲ قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین: سه جبهه جدال. شهلا دانشفر
- ۳، ۴ و ۵ کودتا در میانمار. محسن ابراهیمی
- ۶ گفتگو با محمد شکوهی در باره کنفرانس تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران.
- ۷ گورستان قربانیان قتل های ناموسی. عبدال گلپریان
- ۸ و ۹ ترجمه سخنرانی حمید تقوایی در کنفرانس "حقوق مذهبی، سکولاریسم و حقوق مدنی.
- ۹ گورستان قتل های ناموسی، موزه ای تراژیک. سیاوش مدرسی
- ۱۰ اطلاعیه کانال جدید و کمپین مالی
- ۱۱ نامه بهرام سروش به توماس باخ، رئیس کمیته بین المللی المپیک
- ۱۲ و ۱۳ از مדיای اجتماعی حزب
- ۱۴، ۱۵ و ۱۶ اطلاعیه های حزب

اقتصادی ای و هیچ نوع زد و بند کردن ها و قراردادهایی از نوع قرارداد با چین راه نجاتی ندارد. سیاست این رژیم اساسا بر چپاول و غارت بیشتر جامعه در زیر چماق سرکوب و

دزدی گذاشته شده است. جنگ بر سر دزدی ها و رقابت باندهای مافیایی حاکم نیز خود یک مولفه مهم در به هم ریختن بیشتر این اوضاع است. در چنین شرایطی جمهوری اسلامی در نقطه ای قرار گرفته است که با هیچ طرح و برنامه

نقش ایفا میکند، چنین قراردادهایی از پیش محتوم به شکست است. همه میدانیم اقتصاد به گل نشسته جمهوری اسلامی راه علاجی ندارد. اقتصاد جمهوری اسلامی، اقتصادی مافیایی است که اساسش بر رانت و قاچاق و

افشای قرار داد ۲۵ ساله جمهوری اسلامی با چین به یک موضوع داغ و بحث انگیز در سطح جامعه تبدیل شده است. از هم اکنون در رابطه با این قرارداد آشکارا سه جبهه متفاوت را میتوان مشاهده کرد که رویاروی هم صف آرایی میکنند. یکی جمهوری اسلامی است که بخاطر بن بست اقتصادی اش به هر بازی و زد و بندی دست میزند تا بلکه راه بقا و نجاتی بیابد و فرصتی برای خود بخرد. جبهه دیگر از جریانات راست ناسیونالیست گوناگون تشکیل میشود که فضا را برای سر دادن روضه همیشگی وطن و خاک و میهن مهیا دیده اند و با تبلیغات همیشگی خود تحت عنوان اینکه اینهم یک قرارداد ترکمن جای دیگرست و ایران را فروخته اند، جنجالی به راه انداخته اند. و بالاخره جبهه کارگران و کل جامعه است که میخواهد از کل جمهوری اسلامی و مفتخوران سرمایه دار خلاص شود. نگاهی از این منظر به این سه جبهه جدال داشته باشیم.

حکومت اسلامی به روشنی میداند که در فضای پراشتاب جامعه و در شرایطی که جنبش کارگری چنین قدرتمند در صحنه سیاسی جامعه دارد

### هدف جمهوری اسلامی

واقعیت اینست که فلج اقتصادی جمهوری اسلامی

## سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی

ادامه در صفحه ۲

ادامه از صفحه ۱

زندانی است و قراردادی از نوع قرارداد با چین هم تلاشی در همین جهت است.

## جریانات ناسیونالیست و راست

قرارداد ایران با چین زمینه ای برای جلو کشیدن گفتمان های راست و ناسیونالیستی از جانب جریانات راست فراهم کرده است. این جریانات که در دل شرایط سیاسی متحول جامعه با گفتمان های چپ و برابری طلبانه و رادیکال در جلوی صحنه سیاسی اقبالی برای خود نمی بینند امروز با تبلیغاتی چون فروش خاک و وطن و تشبیه این قرارداد به "قرارداد ترکمن چای" در زمان سلطنت قاجار، تلاش دارند فضا را برای جلو آوردن گفتمان های خود باز کنند. حتی به طور مسخره ای با کمونیست خواندن کشور سرمایه داری چین که یکی از ستونهای ارتجاع سرمایه داری معاصر در منطقه است، میکوشند، چپ و کمونیسم را مورد حمله و تعرض قرار دهند و از این نمذ برای خود کلاهی بدوزند. همانطور که در مناقشه بر سر اینکه خلیج فارس است یا عربی سعی کردند، گرایش ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی را دامن بزنند. اما چند صباحی پیش دوام نکرد و همه این تقلاها به تاریخ پیوست. چون درد مردم فقر و فلاکت و تبعیض و نابرابری و کل بساط چپاول و غارت سرمایه داری است نه تعصبات خاک و وطن ...

بد نیست در همین جا به گوشه هایی از پیامی از کارگران نیشکر هفت تپه در رابطه با قرارداد ایران با چین که در مدیای اجتماعی درج شده اشاره کنم. پیامی که جواب روشنی به تشبثات ناسیونالیستی داده و حرف کارگزاران را بیان میکند. در بخشی از این پیام چنین آمده است: "کارگران.. هیچ نزدیکی ای با دولتها و طرفین قراردادهای ضد کارگری ندارند.. ما در دعوی لشکر طرفداران

این شرکت ها بر اساس قراردادی که داشتند برای برقراری هر نوع ارتباطی با کارگر دستشان باز بود. حتی بنا به سیاست دولت چین با یک بسته یا پکج وارد شده بودند که نیروهای انتظامی و سرکوبشان را نیز به همراه داشت. یعنی پلیس و حراست و نیروی نظامی خود را نیز با خود آورده بودند! با این لشکر کشتی فشار سنگینی را به کارگران تحمیل کردند. از جمله تحمیل ساعت کار طولانی و دستمزدهای بسیار ناچیز و سرکوب هر صدای اعتراضی از ویژگی ها و شرایط کار در این شرکت ها بود.

دوره احمدی نژاد بود که سیل شرکت های چینی بسوی ایران به راه افتاد. یک بخش بزرگ آنها در قسمت های حفاری نفتی مستقر شدند. از جمله استقرار این شرکت ها در خور هویزه و شهرهای سوسنگرد و یادآوران و نام آوران بود. در آن مقطع این شرکت ها مثل قارچ از همه جا سربلند کردند و اساس کارشان ایجاد تاسیسات حفاری نفتی در آب تعریف شده بود. این شرکت ها بر اساس قراردادی که داشتند برای برقراری هر نوع ارتباطی با کارگر دستشان باز بود. حتی بنا به سیاست دولت چین با یک بسته یا پکج وارد شده بودند که نیروهای انتظامی و سرکوبشان را نیز به همراه داشت. یعنی پلیس و حراست و نیروی نظامی خود را نیز با خود آورده بودند! با این لشکر کشتی فشار سنگینی را به کارگران تحمیل کردند. از جمله تحمیل ساعت کار طولانی و دستمزدهای بسیار ناچیز و سرکوب هر صدای اعتراضی از ویژگی ها و شرایط کار در این شرکت ها بود. تا جایکه بعد از تشدید تحریم ها هنگامیکه بسیاری از این شرکت ها سودشان افت کرد و بساطشان را جمع کردند و رفتند، کارگران شاغل در این مراکز علیرغم اینکه شغل و زندگی شان به خطر می افتد از اینکه از شر شرکت های چینی رها شده اند ابراز شادی میکردند. با چنین پیشینه ایست که کارگران قرارداد با چین را از زمره قراردادهای اسارت بار برای خود و کل جامعه و مقدمه ای برای تشدید تعرضات بر زندگی و معیشتشان میدانند و به آن اعتراض دارند. از همین رو وقتی از بازگشت شرکت های چینی سخن به میان می آید کارگران میگویند دیگر حاضر به کار در چنان شرایطی

نخواهند بود و در تقابل با ورود مجدد آنها راهی جز اعتراض و اعتصاب در مقابلشان قرار ندارد.

از سوی دیگر عوارض مخرب زیست محیطی شرکت های چینی است که در نتیجه کار آن دوره برجای ماند. بطور مثال در جایی مثل خور هویزه شرکت های چینی که قرارداد ایجاد چاههای حفاری در آب را داشتند، برای کاهش هزینه هایشان و ساده کردن کار قبل از هر چیز خور هویزه را خشک کردند و کسی هم جلودارشان نشد و آنها بدین گونه چاههای حفاری را زدند. در نتیجه بسیاری از مردمی که با کار صید در این منطقه زندگی میگذراندند و بسیاری از کشاورزان هست و نیست خود را از دست دادند و امروز مردم به بازگشت مجدد این شرکت ها اعتراض دارند.

مثال دیگر کار شرکت های چینی در شیلات در کناره های بوشهر و بندرعباس است. آنها با تکنولوژی بالا و بکارگیری تورهای عظیم الکتریکی در این منطقه ماهیگیری میکردند و با این کار هم کار صیادان محلی را خواباندند و هم صدمات جبران ناپذیر محیط زیستی وارد شد. از جمله بخاطر صید بیش از ظرفیت و تأثیرات آن بر ادامه حیات دلفین ها و خرچنگ ها و رشد جنگلها، عملاً در این منطقه بسیاری از جنگلها به خشکی کشیده شدند و مردم آن از کار بیکار شدند. از همین رو یک نیروی مهم معترض به قرارداد با چین نیروهای دفاع از محیط زیست هستند. این چنین است که در این ماجرا صف آراییی های مختلفی دارد شکل میگیرد. در این میان گفتمان های کارگران و مردم که در مدیای

اجتماعی انعکاس یافته جالب توجه است. در این گفتمان ها یک اعتراض اینست که هر نوع دیپلماسی مخفی ممنوع است و چرا قراردادی برای ۲۵ سال بسته میشود، اما مردم از مفاد آن بی خبرند. موضوع دیگر ثروتهای جامعه است و کارگران و مردم به عنوان صاحبان اصلی این دارایی ها حرفشان اینست که دولت اجازه ندارد ثروتهای جامعه را با قراردادهای محرمانه و پنهانی به فروش برساند. اینها منابع معیشتی مردم هستند و باید درآمد آن نصیب خود آنان شود. سومین بحث اینست که هرگونه اقدامی که کوچکترین صدمه ای به محیط زیست انسانها بزند، باید متوقف شود و بخاطر تخریب های تکنونی در محیط زیست دولت باید پاسخگو باشد. و بالاخره اینکه هیچ دولتی اجازه بستن قرارداد و مداخلات با این حکومت جنایتکار اسلامی که کارش سرکوب و چپاول است را ندارد و باید جمهوری اسلامی در سطح جهانی بایکوت شود. در غیر اینصورت با اعتراض مردمی روبرو خواهد شد.

آخرین نکته رابطه ویژه دولتی مثل چین با دولت ایران به عنوان یک قطب کثیف حامی ارتجاع در ایران و در منطقه است. مردم در ایران بارها صدای اعتراض خود را علیه دولت چین و روسیه بخاطر همکاری و حمایت از جمهوری اسلامی بلند کرده اند. و امروز کارگران و مردم با این گفتمانها دارند در مقابل کل بساط چپاول و جنایت جمهوری اسلامی و متحدانش صف آرای می کنند و تمایز آشکار خود را با هر نوع گرایش عقب مانده ناسیونالیستی اعلام میدارند.

## قرارداد ایران با چین از زاویه کارگر و مردم

قرارداد ایران با چین بخشا قرار داد بازگشت دوباره شرکت های سرمایه گذاری چین به ایران، به ویژه در مناطق نفتی و در جنوب است. کارگران تاریخ و عملکرد آنها را خوب می شناسند. اساساً در

## کودتا در میانمار! یک جنگ طبقاتی در میانمار در جریان است!



محسن ابراهیمی

انسانی محروم شدند. آنها دومین جمعیت جهان هستند که شهروند هیچ جایی از این جهان نیستند!

چهار سال پیش، نظامیان حاکم یکی از تکانه‌دهنده‌ترین قتل عام قومی و مذهبی، یک نسل‌کشی تمام عیار علیه این مردم به راه انداختند. نظامیان حاکم همراه با دسته‌های فاشیست بودایی به روستاها حمله کردند، تا می‌توانستند دهکده‌ها و خانه‌ها را به آتش کشیدند، به زنان تجاوز کردند، کشتند و مثله کردند و غارت کردند و آنها که توانستند زنده بمانند، یعنی قریب یک میلیون انسان، زن و مرد و پیر و جوان کودک و بیمار آواره مناطق مرزی بنگلادش شدند و نهایتاً بازمانده‌های این هولوکاست نظامی - قومی - مذهبی در کمپ‌های مرز میان میانمار و بنگلادش در فجیع‌ترین وضع گرفتار شدند.

### نسل‌کشی در روهینگیا!

راخین استانی در غرب میانمار است که بیشتر از یک میلیون مردم در آن زندگی می‌کردند. مردمی که در تقسیم‌بندی قومی و مذهبی طبقات حاکم در میانمار مهر "مسلمانان روهینگایی" نام گرفته‌اند. این منطقه با صدها روستایش اکنون دیگر ویران شده‌اند و خالی از سکنه هستند. طبقه حاکم میانمار دهه هاست که هویت مردم این کشور را قومی و مذهبی تعریف کرده است و تلاش کرده است روی اختلافات و نرفتهای قومی، قدرت و ثروت و چپاول خود را سازمان دهد. میلیونها مردم روهینگیا با مهر "مسلمانان روهینگیا" تیره روزترین بخش این سیاست شنیع تقسیم‌جامعه به اقوام و مذاهب بوده‌اند. مردمی که سابقه حضورشان در منطقه به صدها سال برمیگردد، کارگران مهاجری که استعمار انگلستان از مناطق مختلف هند و بنگلادش به این مناطق کوچ داده بود و انسانهایی که بعد از استقلال برمه توسط دولت جدید غیرقانونی اعلام شدند و ۳۵ سال پیش با یک چرخش قلم نظامیان حاکم رسماً شهروندی‌شان لغو شد و علناً از ابتدایی‌ترین حقوق

توانسته‌اند یکی از قویترین اتحادیه‌های کارگری را سازمان دهند.

در متن چنین شرایطی بود که به یک چهره اصلی در اپوزیسیون حکومتی نیاز بود که نقش اصلی را در کنترل اوضاع سیاسی و تقسیم قدرت ایفا کند. آنگ سان سوچی مناسبترین شرایط را داشت و طبق معمول توسط دولت غرب و نهادهایی مثل نهاد صلح نوبل برای چنین نقشی مهندسی شد. او دختر ژنرالی بود که در انتهای دهه چهارم میلادی در مذاکره استقلال برمه از انگلستان نقش اصلی داشت؛ زن بود و لباسهای رنگارنگ میپوشید و گل به سر میزد؛ کسی بود که با پیام "اتحاد، نظم، عشق" که ظاهراً از اعتقاد عمیقش به آیین بودا الهام گرفته بود به میدان آمده بود و بالاخره جایزه صلح نوبل را زیر بغلش گذاشته بودند و از طرف عفو بین‌الملل "سفیر وجدان" نام گرفته بود و در نتیجه همه اینها و تلاشهای آگاهانه بین‌المللی به عنوان "فرشته نجات" به نجات طبقه حاکم برای خروج از بحرانهای سیاسی وقت شتافت تا همراه نظامیان کمک کند بحران سیاسی رفع شود و طبقه کارگر میانمار به نام دمکراسی و حقوق بشر به قربانگاه ریاضت اقتصادی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول هدایت شود. انتخابات ۲۰۱۵ کاتالیزور این تقسیم‌قدرت شد. به این ترتیب بود که آنگ سان سوچی در راس حزب "اتحادیه ملی برای دمکراسی" دست در دست نظامیان حاکم دور جدیدی را برای طبقه

کامل تحت سیاستهای ریاضت اقتصادی ثروت خلق می‌کنند در حالیکه خود از محرومترین بخش طبقه کارگر جهان محسوب می‌شوند. زنان کارگر بخش مهمی از این طبقه تحت ستم هستند که اتفاقاً در مقابله با کودتا نقش مهمی ایفا کرده‌اند.

طبقه حاکم میانمار و در راس آن ارتش در دهه‌های گذشته بارها با اعتراضات گسترده کارگران و مردم میانمار و با بحرانیهای سیاسی مواجه شده است که همیشه با سرکوب و کشتار بیرحمانه پاسخ داده است. آخرین بار در سال ۲۰۱۰ بود که در آستانه تبدیل بحران سیاسی به یک بحران حکومتی جدی، طبقه حاکم میانمار، ارتش و اپوزیسیون حکومتی و دول غرب دست در دست هم گذاشتند و برای کنترل بحران و ممانعت از رادیکالیزه شدن اوضاع به محدود کردن نقش ارتش، انجام "انتخابات" و تقسیم قدرت میان نیروهای سیاسی مختلف چه در حاکمیت و چه در اپوزیسیون حکومتی تن دادند. اما با اولین فرجه‌های سیاسی که در این شرایط فراهم شد، رهبران و فعالین کارگری که توانسته بودند از چنگ نظامیان حاکم در دهه‌های قبل جان سالم بدر ببرند فوراً به تجدید سازماندهی کارگران دست زدند و در فاصله کوتاهی صدها اتحادیه و تشکل کارگری شکل گرفتند که صدها هزار کارگر را نمایندگی می‌کردند. فقط در صنعت پوشاک و لباس دوزی بالای نیم میلیون کارگر مشغول هستند که

اول فوریه امسال در میانمار کودتا شد. نظامیان مجدداً قدرت را تماماً بدست گرفتند. جنبش اعتراضی وسیعی در مقابل کودتا شکل گرفت. بیش از ۵۰۰ معترض در خیابانها کشته شدند. تعداد زیادی دستگیر و زندانی و شکنجه شدند. تنش سیاسی همچنان ادامه دارد.

چه اتفاقی افتاده است؟ قدرت دست کدام نیرو بود و چه جابجایی واقعی انجام شده است؟ موقعیت طبقه کارگر و شهروندان معترض به ستم و تبعیض میانمار این وسط چیست؟

میانمار (برمه سابق)، کشوری است با جمعیت ۵۵ میلیونی که حقوق ابتدایی شهروندان بعد از استقلال از انگلستان به مدت نیم قرن تا سال ۲۰۱۱ زیر چکمه نظامیان بیرحم لگد مال شده است. در طول این مدت نظامیان و ارتش به بزرگترین سرمایه‌داران میانمار تبدیل شده‌اند. صدها هزار هکتار زمین کشاورزی را به زور تصرف کرده‌اند و جمعیت عظیمی از محروم‌شدگان از امکانات معیشتی آواره شهرها شده‌اند و به بیرحمانه‌ترین شکلی به خدمت سرمایه‌داران حاکم در میانمار در آمده‌اند. به کارگرانی تبدیل شده‌اند که شیره جان و زندگی‌شان در معادن و صنایع تنباکو و کشاورزی و توسط کمپانیهای غول پیکر از چین و هند گرفته تا دول غرب مکیده می‌شود. فقط در صنعت نساجی میانمار بیش از نیم میلیون کارگر زن در بدترین شرایط و با بیحقوقی

ادامه از صفحه ۳

## چرا کودتا شد؟

نظامیان که تا همین دیروز در کنار و به کمک "اتحادیه ملی برای دموکراسی" به رهبری "فرشته نجات" با هم حکومت میکردند میگویند که کودتا کرده اند چون در انتخابات اخیر تقلب شده است. اما واقعیت چیست؟

کودتای اخیر هم زمینه سیاسی داخلی و هم زمینه سیاسی جهانی دارد. اینجا هم مثل خیلی از تحولات سیاسی در کشورهای منطقه، ترکیبی از فاکتورهای جهانی و داخلی با هم و در کنار هم عمل میکنند.

در داخل میانمار، در واقع همان نیروهایی که بعد از بحران سیاسی ۲۰۱۱ و انتخابات ۲۰۱۵ قدرت را میان خود تقسیم کرده بودند، مجدداً وارد جنگ قدرت شده اند. نظامیان برای حفظ ترکیب دو مجلس به نفع باند خودشان در ساختار سیاسی و همچنین حفظ حضور پر قدرتشان در نهاد های اصلی قدرت مثل وزارت دفاع و خارجه و داخله دست به اقدام نظامی زده اند و انتخابات اخیر محمل سیاسی جنگ قدرت جدید و تقسیم قدرت جدید شده است. کودتای اخیر ابزار یک جناح از طبقه حاکم به رهبری نظامیان برای حفظ برتری خودشان در ساختار سیاسی حاکم است.

اما این اتفاق فقط مربوط به منازعات و کشمکشهای داخلی نیست. اینجا هم مثل موارد مشابه در جهان فاکتورهای جهانی، بخشا اقتصادی و بخشا سیاسی و البته هر دو در کنار هم و با در هم تنیدگی پیچیده ای عمل میکنند.

میانمار جمعیت وسیعی دارد. نفت و گاز و صنایع چوب و معادن و کشاورزی و صنعت نساجی در کنار یک طبقه کارگر وسیع جاذبه قدرتمندی برای طبقه سرمایه دار غرب و شرق و به این اعتبار دولتهای



کرد.

هم انتخابات ۲۰۱۵ و عروج "فرشته نجات" سرمایه داری و طبقه حاکم در میانمار و هم کودتای فوری جلوه هایی از تلاش طبقه حاکم در میانمار و قدرتهای رقیب جهانی برای حفظ نظام حاکم در کشور و تنظیم توازن قدرت میان قدرتهای جهانی در منطقه است.

## نقش طبقه کارگر در مقابله با کودتا!

آیا اصولاً طبقه کارگری در میانمار هست؟ اگر تصویرتان از اوضاع میانمار را فقط از رسانه های رسمی جهانی سر به دول حاکم بگیرید تصور میکنید در این کشور اصولاً کارگری وجود ندارد یا اگر هم وجود داشته باشد روستایان از زمین کنده شده سربزیری هستند که برای کمپانیهای چین و هندوستان و دول غرب و طبقه حاکم خود میانمار بدون کوچکترین اعتراضی ثروت تولید میکنند! رسانه های رسمی سر به دولتها - همان دولتهایی که در همه جهان از جمله در میانمار برای کنترل

اوضاع سیاسی با هم رقابت میکنند از طبقه کارگر میانمار و موقعیت و نقش این طبقه در مقابله با کودتا چیزی به شما نمیگویند. ارائه چنین تصویری از این کشور و کودتایش دقیقاً بخشی از تلاش طبقه حاکم برای مهندسی اوضاع سیاسی بدون حضور طبقه کارگر است. همان کاری که در انتخابات ۲۰۱۵ و عروج "فرشته نجات" انجام دادند و امروز دارند به شکلی دیگر ادامه میدهند.

اما واقعیت چیست؟ همچنانکه بالاتر طرح کردم کودتای اخیر بخشا مربوط به رقابتهای باندهای مختلف طبقه حاکم در داخل میانمار و بخشا مربوط به رقابت قطبهای جهانی سرمایه داری است. اما یک وجه مهم همه تحولات میانمار از جمله تقسیم قدرت در سال ۲۰۱۵ و کودتای اخیر مقابله با طبقه کارگری است که در گزارش رسانه های رسمی سرمایه داری جهانی خبری از آنها نیست. طبقه کارگری که اتفاقاً در مقابله با کودتا در صف اول است و نقش بسیار قدرتمندی ایفا میکند.

در باره موقعیت و نقش طبقه کارگر میانمار و تلاش متحد طبقه حاکم و دول سرمایه داری جهانی برای خاموش

کردن این طبقه لازم است جداگانه و مفصل بحث کرد. اما اینجا و در فرصت کوتاه و به عنوان فقط یک جلوه از حضور میلیونها کارگر میانمار در اوضاع کنونی باید به این اشاره کرد که به دنبال کودتای فوری این اتحادیه های کارگران لباس دوزی بودند که در صف مقدم اعتراض به کودتا قرار گرفتند و در صف مقدم این اعتراض هم زنان کارگر نساجی بودند که در ۲۲ فوریه ۲۰۲۱ با اعتصاب عمومی و سراسری کارگران کارخانه های لباس دوزی مبارزه را به اوج رساندند. فقط در یک منطقه صنعتی به نام "هالینگ تاریر" با ۳۰۰ کارخانه، تقریباً همه کارگران در راهپیمایی اعتراضی علیه کودتا شرکت کردند. در متن این اعتراضات بود که در ۲۰ فوریه، "کمیته عمومی اعتصاب" تشکیل شد که در آن تشکلهای کارگری نقش مهمی داشتند. هدف اصلی تلاش این کمیته اعتصاب چه بود؟ پایان دادن به حاکمیت نظامیان و شکست کودتا، آزادی تمام زندانیان سیاسی، لغو قانون اساسی ۲۰۰۸ که توسط نظامیان و برای تثبیت حضورشان در قدرت به جامعه تحمیل کرده بودند و استقرار نظامی که حقوق همه

ادامه در صفحه ۵

ادامه از صفحه ۴

شهروندان را تضمین کند! در ۲۲ فوریه و به فراخوان کمیته اعتصاب بیش از یک میلیون نفر در اعتراض شرکت کردند که بزرگترین بسیج سیاسی علیه کودتا بود.

گرچه در جریان تنشها و شکافهای میان جناحهای مختلف طبقه حاکم در سال ۲۰۱۱ و بعدا گاو بندی انتخاباتی ۲۰۱۵ طبقه کارگر از فرصت استفاده کرد و توانست متشکل شود و به عنوان یک نیروی طبقاتی و سیاسی جدی در صحنه حاضر شود، اما هنوز نتوانسته است از

محدوده تشکل یابی کارگری و سندیکایی فراتر برود. یعنی هنوز نتوانسته است در صف یک حزب سیاسی علیه اتحاد کل طبقه حاکم، از نظامیان چکمه پوش گرفته تا "بانوی گل به سر"، یک حزب سیاسی که آمال و آرزوهای این طبقه برای رهایی خود و کل جامعه را نمایندگی کند ایجاد نماید. جناحها و احزاب متنوع طبقه حاکم در میانمار از سازمانیابی طبقه کارگر میانمار در حزب سیاسی با پرچم آزادی، برابری، رفاه و حقوق شهروندی برای همه شهروندان واهمه دارند و علیرغم اختلافهای باندی و جناحی در مقابل پیشروی طبقه کارگر به چنین موقعیتی

متحد هستند. مثل همه کشورهای منطقه، پایان دادن به موقعیت فرودست اکثریت ۹۹ درصدی شهروندان میانمار، پایان دادن به تکرار نسل کشی شبیه روهنگیا تماما در گرو این است این طبقه و میلیونها شهروند معترض میانمار بتوانند خود را در چنین حزبی متشکل کنند و دست احزاب رنگارنگ طبقه حاکم میانمار را از گاو بندی علیه حرمت و معیشت اکثریت مردم کوتاه کنند.

اجازه بدهید مطب را با سخنان یکی از زنان کارگر سازمانده مبارزه علیه کودتا به نام ماموی ساندار مینت به

پایان برسایم:

"مبارزه ما علیه کودتای نظامیان به این سبب نیست که بخواهیم قدرت یا مقامی برای خود دست و پا کنیم. کارگران می دانند که چگونه تحت فشار زندگی کنند و چگونه با بی عدالتی مبارزه کنند. ما نمی توانیم تحت سلطه حکومت نظامی ها زندگی کنیم. ترجیح می دهیم بمیریم تا زیر ستم زندگی کنیم. ... دیدن مرگ افراد معترض، به ویژه جوانان دلخراش است. من به عنوان یک مادر که در حال مبارزه هستم این درد را با شدت هر چه بیشتری با پوست و گوشت خود حس می کنم.

هر چه بیشتر رنج مردم را می بینم، بیشتر می خواهم علیه بی عدالتی و ستم مبارزه کنم. حتی به بهای جانم. مردم معترضی که در معرض مرگ قرار دارند شکست ناپذیرند."

آری، "مردم معترضی که در معرض مرگ قرار دارند شکست ناپذیرند." این سخن فعال کارگری زنی که در مقابله با کودتا نقش مهمی ایفا میکنند را باید به پرچم مبارزه با کودتا، مبارزه با طبقه حاکم در میانمار، مبارزه با همه احزاب و شخصیت های طبقه حاکم از ژنرالها گرفته تا آنگ سان سوچی گل به سر تبدیل کرد!



ماهواره یاه ست

فرکانس: ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس: ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۵/۶

KANAL JADID  
کانال جدید

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

[www.newchannel.tv](http://www.newchannel.tv)  
[nctv.tamas@gmail.com](mailto:nctv.tamas@gmail.com)

## کنفرانس وسیع اعضا و کادرهای تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری

### گفتگو با محمد شکوهی



کنفرانس وسیع اعضا و کادرهای تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران در روزهای ۲۷ و ۲۸ مارس بصورت آنلاین - ویدیویی برگزار شد و بعد از دو روز بحث و تبادل نظر و تصمیم گیری های لازم به کار خود پایان داد. به این مناسبت گفتگویی داریم با محمد شکوهی که در این دوره دبیر تشکیلات خارج کشور حزب بوده است.

**انترناسیونال:** در بخش گزارش مسئولین ارکان های مختلف حزبی در خارج کشور، گزارش های شورانگیزی از فعالیت ها و کارهای گوناگون بخش های مختلف حزب ارائه شد که نشاندهنده این نکته بود که حزب بطور واقعی در جامعه حضور فعال و گسترده دارد، نبضش با نبض جامعه می زند، خشم و اعتراض مردم را به وضع موجود نمایندگی می کند و در یک کلام به سر تا پای این وضع اعتراض دارد. آیا شما با این ارزیابی موافقت می کنید؟ تا چه اندازه برگزاری این کنفرانس توقعات و انتظارات شما را برآورده کرد؟

**محمد شکوهی:** فعالیت های این دوره حزب در خارج کشور و گزارشاتی که به کنفرانس در این دو روز داده شد، نشان می دهد که حزب نه تنها در جامعه حضور دارد، بلکه اثر گذار است و نقش بسیار مهم و تعیین کننده ای در چالش ها و مصاف های جاری اجتماعی برعلیه جمهوری اسلامی در خارج دارد. حزب در بیش از دو دهه فعالیت گذشته اش تاکنون نشان داده است که حزب خلاف جریان، ماکزیمالیست، نماینده یک نوع از کمونیسم و انساگرایی است که مبانی آن در کل بنیادهای فکری و سیاسی حزب نهفته است و بر این اساس همه چیز این جامعه به ما ربط دارد. از کارگری که در زندان است و باید برای رهایی

اش جنگید، تا امر زنی که تحت ستم و آپارتاید جنسی است، تا علیه حجاب اسلامی و قوانین ضد زن، تا مبارزه برای آزادی همه زندانیان سیاسی، تا حق پناهندگی، دفاع از حق و حقوق دگرپاشان جنسی، علیه اعدام و.. عرصه های نبرد ما در خارج کشور با عامل و بانی اصلی آن؛ یعنی رژیم جمهوری اسلامی می باشد. من بالخصوص از فعالیت های این دوره حزب در خارج نسبتا راضی هستم و دست همه دست اندرکاران این فعالیت ها را به گرمی می فشارم اما فکر می کنم حزب بیشتر و به مراتب اجتماعی تر و گسترده از این نیز می تواند در خارج دخالت داشته باشد و منشاء اثر و تحولات بزرگ باشد. دخالت، سازماندهی و هدایت مبارزات در این عرصه ها

در کنار گسترش و تقویت صف مبارزه سرنگونی خواهانه و چپ و سوسیالیستی، جلب حمایت افکار عمومی و بشریت متمدن و مدرن از مبارزات مردم ایران علیه جمهوری اسلامی فلسفه موجودیت حزب و فعالیت هایش در خارج کشور می باشد. گزارشاتی که در کنفرانس توسط دست اندرکاران و فعالین این عرصه ها داده شد، نشان از این دارد که حزب در همه جبهه های اصلی نبرد با حکومت دزدان و آدمکشان اسلامی نه فقط فعال، بلکه سازمانده و دخالتگر و خط دهنده می باشد. خارج کشور هیچ موقع برای ما پشت جبهه نبود بلکه بخشی از جبهه نبرد است. من شناختی که از تشکیلات خارج دارم به جرات می توانم بگویم که ما پتانسیل و ظرفیت های آزاد نشده زیاد داریم که باید آزاد شوند. ظرفیت هایی که قطعاً می توان از طریق آنها کارهای هرکولی ای را سازمان داد و به پیش برد. برای مثال موضوع بایکوت رژیم و سرتنگون کردن جمهوری اسلامی در خارج کشور که کمیته منتخب کنفرانس در آینده نقشه عمل و سیاست هایش را تعریف و دور جدید فعالیت ها را بر اساس پلاتفرم های جدید بزودی آغاز خواهد کرد. به اعتبار این همه فعالیت و تلاش شبانه روزی دهها کادر و چهره حزب، در یک کلام کل حزب در خارج می تواند و باید اثر گذار تر از دوره های قبل

در خارج ظاهر شود. البته این به معنای رضایت تمام و کمال نیست. به نظرم حزب بسیار بیشتر از اینها توان و ظرفیت دارد که می تواند هدفمند و بسیار اجتماعی تر در امر گسترش مبارزه برعلیه جمهوری اسلامی در خارج کشور به میدان آورده و دست و پای حکومت را در خارج با جنب و جوش حامیان و پادوهایش قطع کند. کار زیادی در پیش داریم و من یقین دارم ما می توانیم.

**انترناسیونال:** برگزاری این کنفرانس به غیر از کمک به انسجام و استحکام سیاسی و تشکیلاتی که به نوبه خود امر مهمی است چه اهمیت سیاسی ویژه ای در این دوره دارد؟

**محمد شکوهی:** یک اهمیت بسیار مهم برگزاری این کنفرانس آماده سازی تشکیلات حزب به لحاظ سیاسی و تشکیلاتی برای ورود به دوره جدیدی از فعالیت حزب، یعنی تقویت و گسترش مبارزه برعلیه رژیم در همه عرصه های مبارزاتی می باشد. جامعه ایران آستن تحولات بزرگی است. حکومت دارد روز بروز برابر مقاومت و مبارزه اقلشار مختلف مردم به تلاطم می افتد. همزمان در تقلا برای حفظ نظام کثیفش، سرکوب، اعدام و زندان و.. را هر روز به کار میگیرد. ما به عنوان تنها حزب چپ و کمونیست نه فقط حرف های کاملاً متفاوت از همه جریانات چپ سنتی و.. میزنیم؛ بلکه در صف مقدم مبارزه برعلیه رژیم هستیم. در صحنه بودن و ماندن، تقویت فضا و جو سرنگونی خواهی انقلابی توسط مردم در خارج کشور، نمایندگی کردن تمام و کمال نه مردم به کلیت جمهوری اسلامی یک وظیفه بسیار مهم و تعیین کننده حزب در این دوره می باشد. دوره ای که در آن بسر می بریم از هر نظر ویژه است. نگاه مردم و افکار عمومی جهانی به جمهوری اسلامی روز به روز به سمت نفرت بیشتر از این حکومت تغییر میکنند و در جهت و سمت دفاع و حمایت از مبارزات مردم حرکت میکنند. از طرف دیگر زیر فشار اعتراض و مبارزات مردم در داخل برعلیه حکومت،

سازماندهی و راه اندازی مبارزه برعلیه سیاست رژیم در خارج، کمپین های مختلفی که داریم، در کنار افزایش نفرت و انزجار جامعه ایرانیان در تبعید برعلیه حکومت، حزب را در کانون توجهات جمعیت میلیونی ایرانیان مقیم خارج قرار داده و حزب به عنوان یک نیروی نسبتا قدرتمند و دخالتگر و خوشنام مطرح است. فعالیت این دوره ما باید این موقعیت ویژه حزب را دیده و روی آن متمرکز شود که توده بسیار بزرگ و گسترده ای را حول شعارها و خواسته های سرنگونی خواهانه و رادیکال حزب سازماندهی نماید. شرایط برای تبدیل شدن حزب به یک نیروی بزرگ اپوزیسیون چپ در خارج و قرار گرفتن در راس این اپوزیسیون مهیا تر شده و ما باید وقت را به هدر ندهیم. حزب باید برای دوره جدید رویارویی و نبرد با رژیم در خارج کشور آماده تر از هر زمانی باشد و در راس اپوزیسیون چپ آماده تر از هر زمانی نیروهای ضد حکومت را هدایت کند. این دوره، دوره ما و حزب ماست. دوره ای که حزب نماینده کامل و اجتماعی نه بزرگ مردم به حکومت بوده و باید تلاش کند به جهانیان نشان دهد که قابلیت ها و ظرفیت های رهبری و سازماندهی مبارزات ایرانیان مخالف رژیم مقیم خارج را داشته و در این جهت قدمهای بزرگی برداشته است.

**انترناسیونال:** جمع بندی و ارزیابی شما از برگزاری این کنفرانس چیست و آیا بنظر شما کنفرانس توانست به اهدافی که مورد نظرش بود دست یابد؟

**محمد شکوهی:** به نظر من کنفرانس موفق بود. در کنفرانس صحبت از ضرورت تغییر و به روز شدن حزب در عرصه های فعالیت سیاسی و تشکیلاتی و بویژه فعالیت در مدیای اجتماعی، تغییرات جدی در سبک کار، نحوه فعالیت؛ مدرنیزه کردن حزب، شد که یک نیاز مهم این دوره ما می باشد. همچنین بر ساختن سازمان و تشکیلاتی مدرن و قوام یافته که بتواند نیازها و انتظارات این دوره حزب و مبارزه را در خارج برآورده نماید، تاکید

شد. موضوعات مهم فعالیت های درجه بالای رشد سیاسی تشکیلات، حضور اعضای جوان حزب در این کنفرانس و بحث و تبادل نظر حول و حوش مسائل مختلفی که در کنفرانس طرح شد، نشان داد که در حزب کمونیست کارگری نسل جوان دارد سرعت جلو می آید. نسل من که بیش از چهار دهه پیش وارد مبارزه شدیم آن زمان در سن و سال همین جوانانی بودیم که امروز چه در داخل و چه در خارج کشور مبارزه کرده و برای ساختن یک دنیای بهتر دارند می جنگند. از این نظر جای بسیار خوشحالی است که این نسل بالاخره حزبش را پیدا کرده و با این ابزار به جنگ هیولای تروریست اسلامی میروند. اینکه کنفرانس به اهدافش رسید یا نه؛ باید بگویم تا حدود زیادی آری. ولی تا رسیدن به اهدافی که در جریان مباحث پر شور و متعدد دور روز کنفرانس، با تاکیداتی که روی جهت گیریهای آتی شده، هنوز باید بسیار بیشتر از این کار بکنیم. به عبارتی باید یک کار هرکولی کرد. حزب کمونیست کارگری حزب کارهای بزرگ و خارک العاده و اثر گذار در تاریخ مبارزات معاصر اپوزیسیون رژیم است. حزبی که کنفرانس برلین را که اتفاقاً دو هفته آینده سالگردش می باشد؛ بر سه بنیان و حامیان و رژیم خراب کرد و میخ آخر را بر تابوت اصلاح طلبی حکومت کوید و روانه گورستانش کرد. حزبی که در این اشل و با قدرت و عظمت کار کرده؛ باید کارهای هرکولی و بزرگ برلینی را دوباره در دستورش بگذارد. بایکوت جمهوری اسلامی یکی از این کارهای بزرگ است که حزب استارتش را در خارج زده است. ما نه فقط خارج کشور را نا امن تر از هر زمانی برای رژیم و مقاماتش خواهیم کرد، نه فقط با طرح بایکوت رژیم افکار عمومی جهانیان و بشریت متمدن را به حمایت از مبارزات مردم ایران خواهیم کشاند، بلکه در خارج کشور جمهوری اسلامی را سرنگون خواهیم کرد.\*

**انترناسیونال:** با تشکر از شما محمد شکوهی

## گورستان قربانیان قتل های ناموسی عبدل کلپریان



گویی شهرداری هم موجودیت انسان هایی را که بطور دهشتناکی به قتل رسیده اند را می خواهد انکار کند. اما داستان تنها به قتل زنان در گورستان سیوان ختم نمی شود. قبرهای کوچکی در این گورستان وجود دارد و متعلق به کودکانی است که یا تازه به دنیا آمده اند و یا سن و سالی از آنها گذشته و بدلیل عدم پذیرش از سوی مردان یا افراد فامیل که ظن "غیرشرعی" در موردشان وجود داشته است دور انداخته شده و یا به قتل رسیده اند. آشتی عبدالله

در خبری که این روزها انتشار مجدد پیدا کرده است، داستان هولناک و غم انگیز سرنوشت زنانی بازتاب پیدا کرده است که در گورستان سیوان در اطراف شهر سلیمانیه کردستان عراق دفن شده اند. از بین سه هزار قبری که در این گورستان وجود دارد، ۷۰ درصد یعنی دو سوم آن متعلق به زنان بی نام و نشانی است که تحت عنوان "تاموس مرد" یا "تاموس خانواده" به عنوانی مختلف به قتل رسیده اند.

بر سر تمامی قبر زنان بی نام و نشان نوشته شده است، "آرامگاه زندگی" اما زنان به قتل رسیده نه در قید حیات زندگی داشتند و نه در آرامگاه هویتی. این زنان توسط همسر، پدر، برادر و یا نرینه های فامیل به قتل رسیده و زندگی از آنان گرفته شده است. فردی به اسم "هوشیار بارزان" که در این گورستان کار می کند و جسد اکثر این زنان را بخاک سپرده است، داستان دردمندانه این زنان را در سینه دارد. او با اشاره به قبر یکی از این زنان می گوید: "این قبر متعلق به زنی است که وقتی به قتل رسید حامله بود." هوشیار در ادامه سخنانش می گوید: "او در وضعیتی بود که ناچار شدیم قبر را بزرگتر از حد معمول درست کنیم که در واقع انکار می بایست دو نفر در آن جا داده شود چرا که زن به قتل رسیده در مقطع نزدیک به زایمان بود."

شهرداری شهر سلیمانیه اسامی تعدادی از این زنان را در دفاتر خود ثبت کرده است اما این اسامی حتی بر روی قبر بسیاری از آنان وجود ندارد و تنها با شماره گذاری مشخص هستند.



روی کار آمدن این جریانات به سرکردگی اتحادیه میهنی برهبری طایفه طالبانی و حزب دمکرات کردستان عراق از عشیره بارزانی در کردستان عراق، ابعاد و گستردگی قتل و ترور زنان گسترش بیشتری یافته و اکنون به امری روزمره تبدیل شده است. از همان روزهای حاکمیت این دو حزب، نه تنها فرهنگ و سنت های ضد زن در میان مردان یا همسران مرد همانند ویروس خفته بیدار شد و حیطة اختیارات زنان را در تاریکی عنکبوتی خود قرار داد بلکه

احزاب حاکم نیز در گسترش هرچه بیشتر سنت های عقب مانده و وحشیانه طایفه ای و عشایری نقش تعیین کننده ای ایفا کرده اند.

در برابر چنین تراژدی هولناکی که تنها یکی از آنها وجود سه هزار گور بی نام و نشان از قتل های ناموسی است، جنبش دفاع از حقوق انسانی و برابری طلبانه زنان در کردستان عراق قرار دارد که مدام در افشای ماهیت احزاب قومی اسلامی حاکم بر کردستان عراق و شناساندن آنان به افکار عمومی بعنوان مسببین اصلی چنین جنایاتی تلاش کرده است. این جنبش در کنار نیروهای چپ و رادیکال اجتماعی در کردستان عراق، می تواند این قابلیت را از خود نشان دهد که در رابطه با گورستان سیوان کمیونی بزرگ علیه سنت و فرهنگ مردسالار و علیه قوانین ارتجاعی در سیستم اقلیم کردستان عراق برآه اندازد و افکار عمومی و نهادهای معتبر بین المللی را به واکنش در مقابل جنایاتی نظیر آنچه که در گورستان سیوان صورت گرفته است وادار کند.

مطلب را نمی توان ادا کرد. در ابتدای به قدرت رسیدن احزاب ناسیونالیست قومی کرد، ترور زنان به نرم تبدیل شده بود. صدها زن در شهرهای کردستان عراق ترور شدند. در همان ایام از سوی جریانات چپ و سکولار خانه های امن برای حفاظت از زنانی که تهدید به مرگ شده بودند دایر شد که همین خانه های امن از سوی تفنگ بدستان احزاب قومی و اسلامی کرد مورد هجوم قرار گرفتند و بسته شدند.

وجود سه هزار قبر شماره گذاری شده در گورستان سیوان شهر سلیمانیه قدمتی به اندازه طول عمر احزاب ناسیونالیست قومی و اسلامی کرد در اقلیم کردستان عراق دارد که چنین ابعاد هولناکی به خود گرفته است. قطعا تعداد زنانی که به قتل رسیده اند بیشتر از این آمار است که جایی به ثبت نرسیده است اما باید گفت آنچه که در این رابطه به عنوان عامل اصلی قتل و کشتار زنان در کردستان عراق موضوعیت پیدا می کند، فرهنگ و سنت های وحشیانه و عقب مانده ای است که جنبه قانونی پیدا کرده است. طی ۳۰ سال گذشته که احزاب قومی اسلامی کرد ساکن امور کردستان عراق را بدست گرفته اند هنوز هم "قانون احوال شخصی" دوران صدام حسین را در سیستم قضایی و قانونی خود بکار می گیرند. "قانون احوال شخصی" مملو از بی حقوقی و اسارت کامل زن در رابطه با مسئله طلاق است.

پیش از به قدرت رسیدن احزاب قومی اسلامی کرد سنت های عشیره ای، اسلامی و مردسالار زنجیره ای بودند که به دست و پای زنان پیچیده شده بود اما از مقطع

روزمره ای تبدیل شده است. امکان ندارد که هر روز خبری از به قتل رساندن زنی در تلویزیون های احزاب حاکم منتشر نشود. دلایل هر یک از این جنایات توسط مردان مرتجع خانواده گوناگون است. تازه ترین مورد آن مربوط به ۲۹ مارس ۲۰۲۱ است. یک زن کارمند اداره برق اربیل به دلیل اینکه پیشتر به فردی که از او تقاضای ازدواج کرده بود جواب منفی داده بود و سپس بعد از مدتی تصمیم می گیرد با فرد مورد دلخواه خود ازدواج کند توسط خواستگار اول و مقابل در ورودی محل اداره برق به قتل رسید.

قتل های ناموسی در کردستان عراق به عناوین مختلف صورت می گیرد. از جمله آنها یکی در ادامه تحمیل ازدواج اجباری است که اکثر منجر به جدایی از طرف زن می شود و همسر یا پدر و یا برادران زن آنرا تحت عنوان "بر باد رفتن حیثیت خانواده" غیرقابل قبول میدانند و در صورت عدم بازگشت زن به نزد همسر به شکلی او را سربه نیست می کنند.

نکته جالب توجه اینجا است که نهادهای حکومت اقلیم، از دادگاه و مراکز پلیس گرفته تا دیگر مراکز وابسته به حکومت اقلیم، این قتل ها را تحت عنوان، "اختلافات خانوادگی" به خورد مردم می دهند و از کنار آن میگذرند. قاتل یا قاتلان تحت پیگرد قرار نمی گیرند و اگر هم دستگیر شوند بعد از مدتی آنان را آزاد می کنند و این در دستگاه قضایی و پلیسی حکومت اقلیم کردستان عراق به روال متعارف و روزمره ای تبدیل شده است. هر اندازه از خشونت، قتل ناموسی، اذیت و آزار و ترور زنان در کردستان عراق گفته شود باز هم حق

## بررسی اقتصاد سیاسی نسبی گرائی و یونیورسالیسم

این نوشته ترجمه سخنرانی حمید تقوایی در کنفرانس "حقوق مذهبی، سکولاریسم و حقوق مدنی" است که در تاریخ ۱۱ - ۱۲ اکتبر ۲۰۱۴ در لندن برگزار شد.



فرقه ای کرد بوده است. این ساختار نتیجه یک معامله و توافق رسمی است بین دولت آمریکا و متحدینش با گروههای مختلف مذهبی و قومی در عراق دوره پسا صدام. (اکنون با ظهور داعش این بالانس به هم ریخته و دولت آمریکا تلاش میکند دوز بعثی - سلفیستی این مخلوط را بالا ببرد - یعنی مساله را با تشدید دلایلش حل کند!) در مورد افغانستان و لویا جرگه نیز داستان از همین فرارست.

این معنی جدید دموکراسی و جامعه، نه تنها در کشورهای خاورمیانه بلکه در خود کشورهای غربی است. ما علیه دادگاههای شریعه در کانادا، در دفاع از "یک قانون برای همه" در بریتانیا، و علیه برسمیت شناختن امام ها و مفتی ها بعنوان نمایندگان مهاجرین از کشورهای باصطلاح "اسلامی" - مهاجرینی که اکثرشان از شر قوانین شریعه در کشورهایشان به غرب گریخته اند - در سراسر اروپا مبارزه کرده ایم.

برسمیت شناسی مردم نه بعنوان شهروندان متساوی الحقوق بلکه بعنوان هویتهای قومی - مذهبی یا ارزشها و آرمانها و نیازهای متفاوت هسته اصلی این عقبگرد به قرون وسطی است.

از نظر ایدئولوژیک پست مدرنیسم جهانشمول تثبیت شده بوسیله رنسانس و عصر روشنگری را انکار میکند و بجای آن نسبییت فرهنگی را مینشاند. بر مبنای پست مدرنیسم شادی، رنج، آزادی، برابری و حتی انسانیت بطور کلی به تجربیات و ارزشهای یکسان انسانی قابل تحویل نیستند. و هیچ مدل استاندارد مشترک و هیچ امر مشترکی که باید برایش مبارزه کرد و بدست آورد دیگر وجود ندارد! سکولاریسم، نه تنها بمعنی جدائی مذهب از دولت، بلکه بمعنی برسمیت شناسی

سکولاریسم یک دستاورد دوران مدرن و یک ستون جامعه مدنی است. ولی امروز ما در دوران پست - مدرنیسم به سر میبریم. دوران انکار ارزشهای جهانشمول! از نظر سیاسی - اجتماعی سکولاریسم دیگر در بستر اصلی جامعه نیست، در اپوزیسیون است. ایده آلی است که باید یکبار دیگر برایش جنگید.

این امر در مورد جامعه مدنی در کل نیز صادق است. جامعه مدنی مبتنی است - و یا قرار بوه است مبتنی باشد - بر مدرنیسم، قوانین مدنی و دولت - کشور، در تقابل با جوامع مذهبی - قومی - فرقه ای در قرون وسطی. شهروندان - حداقل از نظر قانونی - اعضای برابر جامعه در نظر گرفته میشدند صرفنظر از مذهب و یا قومیت و یا زمینه های فرهنگیشان.

از نظر سیاسی قانون طلائی دموکراسی عبارت بود از یک فرد (یا یک شهروند) یک رای؛ یک جامعه یک قانون. اما دیگر چنین نیست. پست مدرنیسم این را قبول ندارد. اکنون جامعه ملقمه ای از هویتهای متفاوت بر مبنای مذاهب و گروههای قومی در نظر گرفته میشود و دولت نیز یک ائتلاف و یا ترکیبی از سران این گروهها تعریف میشود.

بعنوان نمونه در عراق در دهه گذشته ساختار دولت و دستگاه حاکمه رسماً شامل رئیس جمهور کرد، نخست وزیر شیعه، و رئیس مجلس سنی بوده است. کردستان خودمختار در شمال عراق نیز تحت حاکمیت دو حزب

از نظر ایدئولوژیک پست مدرنیسم ارزشهای جهانشمول تثبیت شده بوسیله رنسانس و عصر روشنگری را انکار میکند و بجای آن نسبییت فرهنگی را مینشاند. بر مبنای پست مدرنیسم شادی، رنج، آزادی، برابری و حتی انسانیت بطور کلی به تجربیات و ارزشهای یکسان انسانی قابل تحویل نیستند. و هیچ مدل استاندارد مشترک و هیچ امر مشترکی که باید برایش مبارزه کرد و بدست آورد دیگر وجود ندارد! سکولاریسم، نه تنها بمعنی جدائی مذهب از دولت، بلکه بمعنی برسمیت شناسی مردم بعنوان انسان، صرفنظر از شیوه ای که به خدا معتقد هستند و یا طبیعت انسانیت بزر سوال میرود!

مردم بعنوان انسان، صرفنظر از شیوه ای که به خدا معتقد هستند و یا نیستند، انکار میشود. نفس ذات و طبیعت انسانیت بزر سوال میرود!

چرا اینطور است؟ ریشه اقتصادی - اجتماعی این نظریه چیست؟ چرا علیرغم این واقعیت که مردم در سراسر دنیا بیش از گذشته از طریق مدیای اجتماعی با هم مرتبط شده اند، و علیرغم این واقعیت که شرایط مادی زندگی، نظیر برق، اتومبیل، کامپیوتر و غیره برای کل مردم کره ارض یکسان است، و علیرغم این واقعیت که معنی و استاندارد رفاه و خوشبختی

هر روز بیشتر جهانی شده است، ایده متفاوت بودن، نسبی گرائی و چند فرهنگی گرائی (مالتی کالچرالیسم) زمینه بیشتری پیدا کرده است - لااقل در بستر اصلی ایدئولوژی، سیاست و رسانه ها؟ چرا نفس فرهنگ و سیستم ارزشی و فلسفه و روابط اجتماعی ای که شرایط مادی زیست جهانشمولی را برای همه مردم فراهم آورده است "نسبی" در نظر گرفته میشود؟

به نظر من جواب در خود مناسبات اقتصادی ای که دنیا را به یک دهکده جهانی بدل کرده است نهفته است.

در زمان رنسانس و عصر روشنگری، دوره عروج سکولاریسم، اکثر جوامع - در واقع همه جهان بجز اروپا - هنوز در مرحله قرون وسطائی و ماقبل سرمایه داری به سر میبرد. و دنیا باید تغییر میکرد! آنچه غربی کردن (Westernization) نامیده میشود - که در واقع چیزی بجز بهبود شرایط زندگی و رشد کل جامعه انسانی نبود - ضرورت زمانه بود.

غربی کردن صرفاً نام دیگری



## گورستان قتل‌های ناموسی، موزه ای تراژیک سیاوش مدرسی



قتل رسیده‌اند. بطوری که بعد از کشتن‌شان، نه تنها حاضر به تحویل جسد و خاکسپاری‌شان نشده‌اند بلکه هر نوع وابستگی به آنها را نیز انکار کرده‌اند. گرچه اسناد و مدارک این قربانیان در شهرداری موجود است اما گورها بدون هیچ نام و نشانی و تنها با یک شماره از هم جدا می‌شوند. سایرگورها در اثر تجاوز یا رابطه جنسی به اصطلاح نامشروع به دنیا آمده‌اند اما به دست خانواده زن کشته شده‌اند.

این گوشه‌ای از گزارش یک وکیل بنام روزگار ابراهیم در شهر سلیمانیه است. اما این تنها گوشه‌ای از تصویر دهشتناک سنت کنیزدار و زن ستیزی در سنت عشیره‌ای و ناسیونالیسم کرد است. به این ارقام، اعداد و آمار، آمار و اعداد و ارقام سرسام آور خودکشی زنان، قطع عضو و ضرب و شتم را اضافه کنید تا سیمای کریه و ارتجاعی و علنی قوانین حاکم بر جامعه کردستان در عراق را ببینیم!

کردستان عراق جامعه‌ای آزاد نیست!

حکومت ناسیونالیستی، عشیره‌ای و مذهبی در کردستان عراق نماینده زنان و حقوق برابر نیست!

«گردی سیوان» (تپه سببها) گورستانی قدیمی و معروف در شهر سلیمانیه کردستان عراق است. اینجا و بر این تپه مشاهیر زیادی بخاک سپرده شده‌اند! اینجا گورستان مادرانی است که ناامید چشم انتظار بازگشت فرزندان پیشمرگشان در کوهها و زندان‌های رژیم بعث عراق هستند. بعدها قربانیان ترور و کشتار دولت خودمختار کردستان عراق نیز سهام دار عمده‌ای در این گورستان شدند. در این شهر بلا زده شاید تنها موزه معتبر تاریخ شهر سلیمانیه همین گورستان «تپه سببها» (گردی سیوان) باشد، در گوشه متروکی از این گورستان با تلنبار گورهای زنان سلاخی شده روبرو میشویم زنانی که از همان لحظه تولد تا مرگی فجیع، داغ ننگ «ناموس» خانواده، همسر، قبیله، مسجد و ملا را بر پیشانی داشته‌اند. اینجا گور کودکان بیگناهی است که به خاطر سرپیچی مادران از احکام دین اسلام وعشیره و یا تجاوز مردان خدا و عشیره به زنان چشم برجهان گشوده و نفس نکشیده، کشتار شدند. این گورها، این شماره‌ها پرچم هویت عشیره گرایی و مذهب و پرچم اقتدار خداوندان زر و زور و حاکمین سفاک سرمایه‌دار در کردستان عراق است.

ما برای مدرنیسم می‌جنگیم، اما نه علیه نیروهای فئودالی پیشا مدرنیسم که برافتاده‌اند، بلکه علیه نیروهای کاپیتالیستی پسا مدرنیسم! در این نبرد حقیقت و واقعیت، علم و تکنولوژی، و نود و نه درصد مردم جهان با ما هستند. نفس این واقعیت که اشغال میدان‌التحریر در قلب انقلاب مصر الهام بخش اشغال زاکوتی پارک در قلب جنبش اشغال در نیویورک بود نشان میدهد که نسبی گرایی پوچ و بی معنی است. این تجربه در عین حال نشان میدهد که چطور میتوان بر این عقب ماندگی غلبه کرد.

از بین سه هزار قبر، ۷۰ درصد گورها متعلق به زنانی است که به بهانه‌های ناموسی توسط خانواده‌هایشان به

اند و همه دنیا را فراگرفته‌اند، ولی فرهنگ و فلسفه و سیستم ارزشی که این شرایط مادی را ایجاد کرده است نسبی تلقی میشوند!

این عقبگرد تصادفی نیست. سکولاریسم و جهانشمولیت انکار میشوند دقیقاً به این خاطر که کاپیتالیسم جهانی شده است. آنچه چند صد سال قبل برای رشد جهانی سرمایه ضروری بود، یعنی جامعه مدنی و ارزشهای جهانشمول مدنی، اکنون به نظر میرسد. پس: پست مدرنیسم! پس: دیالوگ و برخورد تمدنها! پس: جوامع اسلامی و قوانین شریعه و لویا جرگه و جمهوری اسلامی و داعش و بوکوحرام و مالتی کالجریلیسم و نئولیبرالیسم!

ما سکولاریستها با این جهان به قهقرا کشیده شده مواجهیم! یک درصد حاکم پس رفت و عقبماندگی را اشاعه میدهد و پرچم سکولاریسم و جامعه مدنی در دستان ماست که نود و نه درصدیهای جهان را نمایندگی میکنیم. این بار نه برای بازار آزاد بلکه برای جوامع آزاد و مردم آزاد در سراسر جهان! هدف ما نه تنها جدائی مذهب از دولت، بلکه دفاع از جامعه مدنی و جوهر انسانیت و ارزشهای انسانی است.

ما برای مدرنیسم می‌جنگیم، اما نه علیه نیروهای فئودالی پیشا مدرنیسم که برافتاده‌اند، بلکه علیه نیروهای کاپیتالیستی پسا مدرنیسم! در این نبرد حقیقت و واقعیت، علم و تکنولوژی، و نود و نه درصد مردم جهان با ما هستند. نفس این واقعیت که اشغال میدان‌التحریر در قلب انقلاب مصر الهام بخش اشغال زاکوتی پارک در قلب جنبش اشغال در نیویورک بود نشان میدهد که نسبی گرایی پوچ و بی معنی است. این تجربه در عین حال نشان میدهد که چطور میتوان بر این عقب ماندگی غلبه کرد.

متشکریم.

جهانشمولیت (universalism) احساس نمیکند.

در آغاز قرن بیست و یک، در حالیکه کاپیتالیسم نیروی مسلط در هر کشوری است و هنوز قاهره و تهران و آدیس آبابا و لیما هیچ شباهتی به لندن و پاریس و نیویورک ندارند. دفاع از فرهنگ «غربی» از نقطه نظر بورژوازی، دیگر مقرون به صرفه نیست. بهترین توقعات را بالا نبرد! اکنون دوران نسبیت فرهنگی است. مذهب و قبایل و ارزشهای قومی و هر چیزی که مردم را متفاوت جلوه میدهد دوباره وارد کنید! اینها را دوباره وارد کنید تا بتوان مسکنت را سعادت نسبی، بیحقوقی را آزادی، و رنج را رفاه جلوه داد!

نظم نوین جهانی بازار آزاد دیگر استطاعت آنرا ندارد که از ارزشهای «غربی» بعنوان چشم انداز پیشروی هر جامعه ای دفاع کند.

چند صد سال قبل، حتی پنجاه سال قبل، وقتی هنوز کشورهای در شرایط فئودالی به سر میبردند، ما مدلهای متفاوتی برای رشد اقتصادی داشتیم و سیستم یکسانی برای ارزشهای فرهنگی و اجتماعی (سیستم «غربی» ارزشها که کشورهای توسعه نیافته برای آنکه به جوامع شبه غربی و سرمایه پسند تبدیل بشوند میبایست الگوی خود قرار میدادند). اکنون قضیه برعکس است. سیستمهای ارزشی متفاوتی داریم و مدل اقتصادی یکسانی: فریدمنیسم و اقتصاد مکتب شیکاگو. ریاضت کشی برای همه! میگویند از نظر اقتصادی همه جوامع همسان اند ولی از هر نظر دیگر هر جامعه ای ویژگی خودش را دارد با مذهب خودش و زمینه های قومی خودش و تعبیر خودش از خوشبختی و آزادی و غیره و غیره.

در دنیای پست مدرن از نظر اقتصادی همه همسانند ولی از نظر فرهنگی سیاسی - اجتماعی همه متفاوت قلمداد میشوند. زندگی مادی و ارزشهای مادی جهانشمول

ادامه از صفحه ۸

برای جهانی کردن ارزشهای انسانی است. «سیستم ارزشی غرب» در واقع یک دستاورد جهانی است - آخرین گام در تاریخ طولانی رشد فرهنگ بشری - از چین و مصر و یونان باستان تا انقلاب فکری و صنعتی در غرب. بورژوازی اروپا، از طریق متفکرین پیشرواش، این سیستم ارزشی جهانشمول را برسمیت شناخت و اشاعه داد چرا که در آن زمان با منافع سیاسی و اقتصادی اش در انطباق کامل قرار داشت.

بورژوازی جوان اروپا از هر نظر از این قصد و اراده سیاسی و اقتصادی برخوردار بود که دنیا را به تصرف درآورد و به محل مدرن و مناسبی برای اقتصاد بورژوائی تبدیل کند. صاحبان زمین و اشراف به همراه مذهب و ارزشهای اشرافیشان باید کنار میرفتند و راه را برای تغییرات لازم در جهت شکلگیری بازار کار و کالا باز میکردند.

این اقتصاد سیاسی سکولاریسم و جهانشمولیت است. برای بورژوازی جوان غرب و فلسفه و متفکرین پیشرواش، فرهنگ و تمدن غربی مدل حقیقی و ایده آل برای بقیه دنیا بود چون بقیه دنیا هنوز برای کار و کسب آماده نبود. جاده ها و خط آهن و زیر ساخت لازم برای کارکرد سرمایه باید ساخته میشد، بهداشت و سواد آموزی باید بهبود پیدا میکرد و، مهمتر از همه، رعایا باید از زمین کنده شده و به کارگران مزدی تبدیل میشدند. اینها تغییراتی بود که در خود غرب سکولاریسم و مدرنیسم را ضروری کرده بود. غرب پیشرو و انقلابی میخواست این ارزشها را صادر کند تا بتواند سرمایه اش را صادر کند!

اکنون آن دوران به سر رسیده است! پانصد سال بعد از رنسانس، در حالی که سرمایه و سرمایه داری همه جا را فراگرفته، بورژوازی هیچ چشم اندازی برای رشد ندارد، و لذا هیچ نیازی به

در پاسخ به فراخوان کانال جدید برای ماهواره دوم مبالغ زیر جمع آوری شده است. کانال جدید از یک هفته قبل علاوه بر ماهواره یاه ست از ماهواره یوتل ست نیز شروع به پخش برنامه های ۲۴ خود کرده است.

ضمن قدردانی عمیق از دوستان عزیزی که به این فراخوان جواب داده اند، از همه شما مردم آزادبخواه که خواهان رهایی از شر جمهوری اسلامی و هر نوع تبعیض و نابرابری هستید دعوت میکنیم تا کمک های مالی

خود را به دست ما برسانید. هدف ما این است که مبلغ ۵۰۰۰۰ را در عرض یک ماه جمع کنیم.

تلویزیون کانال جدید

## یاری کنید پوشش تلویزیون آزادی، برابری و رفاه را گسترش دهیم!

کمک های خود را میتوانید به شماره حساب های زیر واریز کنید و یا به واحدهای حزب در شهر خود بپردازید و با یادداشتی ما را از کمک خود مطلع نمایید:

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی  
سوئد:

Sweden  
Kontonr: 4122379-3 SEK  
Bankkontonr: 9960 2641 223 793  
Kontoslag: PLUSGIROKONTO  
FÖRETAG  
IBAN: SE 10 9500 0099 6026 4122 3793

و یا سویس:

Swish number  
1234302402

آلمان:

Germany  
M. Eli  
Commerzbank  
Kontonr: 727634800  
BLZ: 60040071  
IBAN: DE84600400710727634800  
BIC/SWIFT: COBADEFFXXX

شماره حساب انگلیسی ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

انگلیس:

United kingdom  
Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23  
account holder: WPI  
branch: Wood Green  
Bank: NatWest  
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345477981  
BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید میتوانید با شماره زیر تماس بگیرید:

واتس آپ - سیگنال و تلگرام

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

کانال جدید این تریبون تک شما آزادبخواهان، این صدای اعتراض و همبستگی کارگران، زنان و جوانان در ایران، تلویزیونی که ۱۷ سال است ۲۴ ساعته برای رهایی و آزادی و انسانیت و برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی برنامه پخش میکند، برای هر چه گسترده تر کردن پوشش خود علاوه بر ماهواره "یاه ست"، از ماهواره "یوتل ست" نیز شروع به پخش برنامه کرده است. رفتن بر ماهواره "یوتل ست" و بودن همزمان بر دو ماهواره امکان میدهد که بخش های بسیار بیشتری از مردم ایران و منطقه و همچنین ایرانیان ساکن اروپا به کانال جدید دسترسی داشته باشند. انجام این مهم، همچون تامین هزینه های سنگین یک تلویزیون ۲۴ ساعته در تمام این ۱۷ سال، بدون کمک و یاری شما مردم شریف و آزادبخواه ممکن نبوده و نخواهد بود. لذا دست یاری بسوی شما دراز میکنیم.

بدینوسیله کمپین جمع آوری ۵۰ هزار دلار جهت تامین هزینه های انتقال کانال جدید به ماهواره دوم (یوتل ست) را اعلام میکنیم. هدف ما این است که این مبلغ را در عرض یک ماه جمع کنیم. از همه شما مردم آزادبخواه که خواهان رهایی از شر جمهوری اسلامی و هر نوع تبعیض و نابرابری هستید دعوت میکنیم تا کمک های مالی خود را به دست ما برسانید.

تلویزیون کانال جدید

۵ فروردین ۱۴۰۰ (۲۵ مارس ۲۰۲۱)

## کمک مالی به کانال جدید

لیست شماره یک

بهنم خانی ۱۰۰۰ یورو  
عبدل گلپریان ۲۰۰ یورو  
نسان نودینیان و پروین معاذی ۳۰۰ یورو  
حسن جلیلی ۵۰۰ یورو  
سیاوش مدرسی ۱۰۰ پوند  
میترا بابک ۱۰۰۰ پوند  
سینا پدram ۵۰۰۰ پوند  
کاروان مجید ۱۰۰ پوند  
تانیا مینو ۵۰ پوند  
مینو فتاحی ۵۰ پوند  
سیما بهاری ۱۰۰۰۰ کرون  
جمیل فرزبان ۱۰۰۰ کرون  
ابوذر صلحجو ۱۰۰۰ کرون  
آذر مقدم و غلام جمالی ۵۰۰ کرون  
فاضل نادری ۱۰۰۰ کرون  
آذر پویا ۱۵۰۰ کرون  
نیما سروستانی ۵۰۰۰ کرون  
اسماعیل مردوخی ۱۰۰۰ کرون  
صابر رحیمی ۵۰۰۰ کرون  
سمن فرخزاد ۲۰۰۰ کرون  
بابک یزدی ۱۰۰۰ دلار  
سوسن بهادری ۱۰۰ دلار  
خسرو آغباشلو ۲۴۰۰ دلار (ماهی ۲۰۰ دلار)  
سهیلا میلانی ۴۰۰ دلار  
هه ژار علیپور ۱۰۰ دلار  
داریوش عبدی ۱۰۰ دلار  
محمد کاظمی ۲۰۰ دلار  
میترا دانشی و حمید تقوایی ۴۰۰ دلار  
صدف کورش نیا ۲۰۰ دلار  
حسین رها ۲۰۰ دلار  
بهرام کلاه زری ۴۰۰ دلار  
آزاده نژاد ۵۰ دلار  
فهیمة صادقی و ابراهیم ۵۰۰ دلار

## نامه بهرام سروش به توماس باخ، رئیس کمیته بین المللی المپیک

### جناب توماس باخ رئیس کمیته بین المللی المپیک

همانطور که حتما مطلع شده اید، مربی سابق تیم ملی کشتی فرنگی ایران و دارنده مدال طلای المپیک گزارش داده است که رئیس کنونی کمیته ملی المپیک ایران، سید رضا صالحی امیری، از شکنجه گران و بازجویان جمهوری اسلامی در زندانها در سمت مدیر ارشد وزارت اطلاعات بوده است و حتی قاتل شماری از زندانیان سیاسی است. این اطلاعات تکان دهنده که از جانب آقای سردار پاشایی مربی سابق کشتی ایران علنی شده، یک بار دیگر بر این حکم تاکید میکند که جمهوری اسلامی مثل حکومت آپارتاید آفریقای جنوبی باید در دنیا بایکوت شود، و بویژه نهادهای ورزشی بین المللی مانند کمیته المپیک باید این حکومت را از جامعه المپیک و ورزش جهانی اخراج کنند. این خواست را ما بعنوان دفتر بین المللی حزب کمونیست کارگری ایران قبلا نیز با شما طرح کرده ایم و میدانیم که از جانب نهادها و شخصتهای بسیاری از ایران و در سطح بین المللی نیز از شما خواسته شده است. اما به دلایلی که از نظر ما قابل قبول نیست رد شده یا دنبال نشده است. اینکه یک بازجو و شکنجه گر و قاتل اکنون در راس کمیته ملی المپیک ایران قرار دارد و این را یکی از مربیان با سابقه کشتی ایران مطرح کرده، بروشنی ماهیت این حکومت را جلوی چشم میگذارد و نباید ذره ای تردید در حقانیت خواست بایکوت جمهوری اسلامی از نهادهای بین المللی از جمله المپیک باقی بگذارد.

بایکوت جمهوری اسلامی خواست گسترده مردم در ایران علیه حکومتی است که قاتل آنهاست. در زمینه ورزش نیز جمهوری اسلامی کنوانسیونها و استانداردهای پذیرفته شده بین المللی را مدام به نحو فاحشی نقض کرده است. این حکومت نه فقط زنان را به ورزشگاهها راه نمیدهد، ورزشکاران زن را به پوشش اجباری اسلامی مجبور کرده است، اجازه سفر به ورزشکاران زن بدون اجازه شوهرانشان را نمیدهد، ورزشکاران را ناچار میکند برای رو برو نشدن با ورزشکاران اسرائیل عمدا خود را بازنده کنند و غیره، بلکه تاکنون چندین نفر از ورزشکاران را به دلایل مختلفی از جمله شرکت در اعتراضات اعدام کرده است. یک مورد تکان دهنده آن همانگونه که مطلع شده اید اعدام نوید افکاری قهرمان جوان کشتی بود که در سال گذشته به نحو فجیعی اعدام شد و جرم او شرکت در اعتراضات دو سال قبل از آن بود. به او حتی اجازه ندادند قبل از اعدام، خانواده اش را ملاقات کند.

من از طرف دفتر بین المللی حزب کمونیست کارگری ایران یک بار دیگر از شما میخواهم که جمهوری اسلامی را از بازیها و جامعه المپیک اخراج کنید و از این طریق با خواست ورزشکاران و مردم ایران همراهی کنید. تامل و تردید در این جهت، برای جوانان و ورزشکاران ایران که قربانی این حکومت هستند نا امید کننده است.

### بهرام سروش، مسئول دفتر بین المللی حزب کمونیست کارگری ایران

۱ آوریل ۲۰۲۱، ۱۲ فروردین ۱۴۰۰

## از مدیای اجتماعی حزب

فیسبوک حزب: [www.facebook.com/wpiran](http://www.facebook.com/wpiran) اینستگرام: [www.instagram.com/wpi91](http://www.instagram.com/wpi91) تلگرام: [telegram.me/wpi\\_hkki](https://t.me/wpi_hkki) شماره اپ و تلفن تماس: ۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

## تاریخچه ۳۱ مارس، روز جهانی مشاهده پذیرى ترنسها

اعتراض از چه نوعی؟  
حسن صالحی

من اگر اعتراضی به بستن قرارداد ۲۵ ساله میان چین و جمهوری اسلامی دارم به این خاطر نیست که گویا جمهوری اسلامی "خاک وطن را به تاراج گذاشته" و یا اینکه "خیانت به منافع ملی" کرده است. اینها بیشتر از این اینکه ربطی به منافع واقعی مردم ایران داشته باشد غرولند ناسیونالیستی است که می خواهد به اسم "منافع ملی" به منافع مردم کارگر و زحمتکش لگد بزنند.

“

باشد غیر قابل قبول است و ما باید یکصدا خواهان بایکوت جمهوری اسلامی شویم. در قراردادی که بسته شده است این جنبه ها مهم تر است بخصوص اینکه در این قرارداد صحبت از تحکیم روابط نظامی چین با جمهوری اسلامی و آموزش نیروهای سپاه پاسداران و استقرار چند هزار نیروی نظامی چین در ایران شده است.

هر گونه رابطه سیاسی با این رژیم و حمایت از جنایتکاران حاکم بر ایران قویا محکوم است و باید مورد اعتراض قرار گیرد. هر دولتی که به جای حمایت از مردم ایران در کنار حکومت جنایتکار اسلامی قرار گیرد و این رژیم ضد بشری را مورد حمایت قرار دهد بعنوان همدست این رژیم مورد خشم و اعتراض مردم ایران خواهد بود.

اقتصادی این توافق ۲۵ ساله روشن نیست.

مسئله اما برای من بر سر این است که چین و روسیه هر دو حامی همیشگی جمهوری اسلامی بوده اند و همواره در مجمع بین المللی بی شرمانه از جمهوری اسلامی پشتیبانی کرده اند. مشکل من نفس رابطه با جمهوری اسلامی و برسمیت شناختن این رژیم جانی بعنوان "نماینده مردم ایران" است. اولاً اینها نماینده مردم ایران نیستند بلکه دشمن و قاتل مردم ایرانند و دوماً این رژیم به دلیل همه جنایاتی که علیه مردم ایران مرتکب شده و همه مصائبی که برای مردم ایران ببار آورده است باید با بایکوت جهانی روبرو شود و تماماً طرد و منزوی گردد. برای من نفس هرگونه رابطه سیاسی، دیپلماتیک، فرهنگی، نظامی و ورزشی با جمهوری اسلامی حالا از جانب هر دولتی که

من اگر اعتراضی به بستن قرارداد ۲۵ ساله میان چین و جمهوری اسلامی دارم به این خاطر نیست که گویا جمهوری اسلامی "خاک وطن را به تاراج گذاشته" و یا اینکه "خیانت به منافع ملی" کرده است. اینها بیشتر از این اینکه ربطی به منافع واقعی مردم ایران داشته باشد غرولند ناسیونالیستی است که می خواهد به اسم "منافع ملی" به منافع مردم کارگر و زحمتکش لگد بزنند. من نمی دانم اگر همین قرارداد مثلاً با کشورهای غربی بسته می شد آیا حضرات همینقدر سر و صدا راه می انداختند؟ فکر نمی کنم. چین نه فقط با جمهوری اسلامی بلکه با بسیاری کشورهای دیگر دنیا و از جمله خود آمریکا قرارداد اقتصادی می بندد و کسی هم داد و ببیادای راه نینداخته است که مثلاً "چوب حراج" به این کشورها زده اند. تازه هنوز بسیاری از جنبه های

سلفی و روایات شخصی خود و همچنین اطلاعات آماری بسیاری را منتشر کردند. از این رو، روز جهانی مشاهده پذیرى ترنسها، کانون توجهات را به حقوق ترنسها جلب کرده و به شهروندان در مورد وضعیت ترنسها و ضرورت مقابله با ترنس ستیزی آموزش می دهد. منبع آموزشی Trans Student دارای فیلم های آموزشی است که به تفصیل داستانهایی درباره افراد ترنس و نحوه تجربه آنها از زندگی را شرح می دهد.

این روز مردم را ترغیب می کند تا درباره موضوعاتی که ترنس جندرها با آن روبرو هستند صحبت کنند و اینکه چرا صحبت در مورد این مسائل مهم است. این یک روز شناخته شده جهانی است که به مردم اجازه می دهد تا در مورد تاریخ افراد ترنس بیشتر بدانند و برای دستیابی آنان به تمامی حقوق انسانی شان علیه دولتها، مذاهب و سنتها مردسالار و عقبمانده مبارزه کنند.

رنگین کمانان ایرانی

۱۰ فروردین ۱۳۹۹  
۳۰ مارس ۲۰۲۱

روز جهانی مشاهده پذیرى ترنسها، یک رویداد سالانه است که در تاریخ ۳۱ مارس برگزار می شود و به بزرگداشت افراد ترنس و افزایش آگاهی از تبعیض به آنها در سراسر جهان. این روز توسط فعال ترنس جندر مستقر در ایالات متحده، راشل کراندال از میشیگان در سال ۲۰۰۹ در واکنشی به تبعیضات علیه ترنسها و نیز عدم به رسمیت شناختن آنها تاسیس شد.

اولین روز جهانی مشاهده پذیرى ترنسها در ۳۱ مارس ۲۰۰۹ برگزار شد. از آن زمان سازمان حمایت از جوانان Trans Student Resource- es مستقر در ایالات متحده آمریکا آن را رهبری می کند. در سال ۲۰۱۴، این روز توسط فعالین در سراسر جهان - از جمله در ایرلند و اسکاتلند مشاهده شد.

در سال ۲۰۱۵، بسیاری از ترنسها در یک کمپین آنلاین رسانه های اجتماعی در پلتفرمهایی از جمله Fa- Instagram، Twitter، Tumblr شرکت کردند. شرکت کنندگان در این کارزار در جهت افزایش آگاهی عمومی نسبت به وضعیت ترنسها، عکسهای

ادامه از مدیای اجتماعی حزب از صفحه ۱۱

## حضور زنان سوری در ورزشگاه آزادی



## پاسخ حامد اسماعیلیون، به وزیر راه و شهرسازی جمهوری اسلامی که گفته بود: «دشمنان به دنبال القای ناامن بودن آسمان ایران هستند.»

حامد اسماعیلیون در پاسخ به وزیر راه و شهرسازی جمهوری اسلامی در صفحه شخصی توئیتر خود چنین نوشت:

«دشمنان مردم شما هستید. شما نگران مردم نیستید نگران پولی هستید که از این راه به جیب می‌زدید. دیگر کسی در این یافته شکی ندارد. تا وقتی تن به گفتن حقیقت ندهید در بر همین پاشنه می‌چرخد.»

امضا کنندگان این نامه، برای چهاردهه خشونت، جنایت و شکنجه سازماندهی شده قانونی، دولتی و قضایی و در یک کلام شکنجه، خشونت و جنایت سازماندهی شده حکومتی، اعلام دادخواهی و کیفرخواست کرده و خواهان محاکمه تک تک آمرین و عاملین چهار دهه کشتار در ایران، در دادگاههای علنی و عادلانه بین المللی با نظارت مجامع مدافع حقوق انسانی هستیم.

به دادخواهی و کیفرخواست علیه جمهوری اسلامی بیونید!

تنها راه رهایی جامعه و زنان سرنگونی جمهوری اسلامی است، همین امروز!

بدینوسیله ما زنان، مادران و انقلاب زنان

## انترناسیونال

### نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: رضا مرادی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

ستیز اسلامی شده است.

تنها راه رهایی جامعه و زنان سرنگونی جمهوری اسلامی است، همین امروز! انقلاب زنان

ارسال پیامهای تصویری، صوتی و نوشتاری به پیامگیر تلگرام  
sjktamas@

تلگرام، واتساپ، ایمو،  
سیگنال  
۰۰۴۶۷۳۹۶۸۱۴۳۸

پیامگیر تلگرام. <https://t.me/sjktamas>  
کانال تلگرام - [enghe-labezananeh](https://t.me/enghe-labezananeh)  
توییتتر <http://twitter.com/enghelbezananeh>  
اینستاگرام <https://in-stagram.com/women-revolution>

باشند. فیفا به عنوان نهاد عالی فوتبال در دنیا موظف است تا ناظر اجرای دقیق بندهای اصلی اساسنامه خود باشد.

سیاست تفکیک و جداسازی جنسیتی، یکی از ابزارهای حکومت جمهوری اسلامی برای جدا کردن زنان از فعالیتهای مختلف اجتماعی و ایجاد بستری برای بی حقوقی های پی در پی بوده است. استادیوم ها یکی از مکانهای عمومی بوده که حکومت این سیاست زن ستیز خود را در آن اعمال کرده. اما در مقابل مطالبه #حق\_ورود\_زنان\_به\_استادیوم توسط زنان و مردان برابری طلب در متن جنبش نوین رهایی زن و پیشروی انقلاب زنان در ایران، روز به روز قویتر و تهدیدی برای حکومت زن

برخی خبرگزاریهای داخلی ایران خبر دادند که در دیدار دیروز ایران و سوریه که قرار بود بدون حضور تماشاگر برگزار شود، شماری از هواداران تیم سوریه در ورزشگاه آزادی حضور یافتند و در بین آنها زنان سوری هم بودند. ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی تنها کشور جهان است که ورود زنان به استادیوم برای تماشا ممنوع است. سختگیرترین کشورهای اسلامزده مثل کویت، برونئی و بحرین هم جلوی حضور زنان در ورزشگاههای فوتبال را نمیگیرند. حتی عربستان سعودی حضور زنان در استادیومهای فوتبال را آزاد کرد و به همین مناسبت تورنمنتی هم برگزار کرد. از نظر فیفا تبعیض قومیتی، مذهبی و جنسیتی نباید در فوتبال امروز جایی داشته

## اطلاعیه های حزب

## به کارزارهای آزادی زندانیان سیاسی بپیوندید!

در اعتراض به تشدید اذیت و آزار زندانیان سیاسی و تبعید زندانیان به شهرها و زندان های دیگر، موجی از اعتراض از درون و بیرون زندان و در خارج کشور به جریان افتاده و جنب و جوش وسیعی شروع شده است.

بیانیه ای با امضای ۶۴۶ نفر که بسیاری از آنها چهره های سرشناس و شناخته شده کارگری، معلمان، بازنشستگان، مادران دادخواه و فعالین سیاسی اجتماعی از داخل کشور هستند، و نیز بیانیه ای از جانب ۱۸ نفر زندانی سیاسی ربای شهر کرج علیه اذیت و

آزار زندانیان منتشر شده است. در روزهای شروع سال نو ۳۴ نفر از زندانیان سیاسی زندان های اوین، فشافویه، عادل آباد و بند زنان اوین نیز با اعتصاب غذای ۳ روزه علیه سیاست سرکوب و تبعید زندانیان دست به اعتراض زدند. کارزاری نیز توسط مینا احدی با امضای بیش از ۱۵۰۰ نفر از فعالین سیاسی و اجتماعی در داخل و خارج کشور در جریان است و هر روز تعداد بیشتری به آن ملحق میشوند. کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی نامه ای به میشل باچلت مسئول شورای حقوق بشر سازمان ملل، جاوید رحمان، گزارشگر ویژه

سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران و همچنین جوزف برل، مسئول بخش خارجی اتحادیه اروپا و دیوید ماریا سسولی رئیس پارلمان اروپا ارسال کرده که توجه آنها را به تشدید فشار به زندانیان سیاسی و تبعید تعدادی از آنها جلب کند. سازمان عفو بین الملل نیز با انتشار یک رشته توییت بمناسبت سال تازه ضمن اشاره به رفتار بیرحمانه مقامات جمهوری اسلامی با زندانیان سیاسی خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط آنها شده است. مردم معترض و بجان آمده، آزادیخواهان، کارگران، زنان،

دانشجویان!

به این کارزارها بپیوندید و به هر شکل که میتوانید جنبش دفاع از آزادی زندانیان سیاسی را گسترش دهید. با زندانیان سیاسی و خانواده های آنها و با نهادها و فعالینی که این کارزارها را سازمان داده اند، همراه شوید، بیانیه ها را امضا کنید، در هر جا که هستید جمع های کوچک و بزرگی را دور خود جمع کنید و این حرکت ها را بطور سازمان یافته تقویت کنید. حزب کمونیست کارگری ایران از همه کارزارهایی که برای آزادی زندانیان سیاسی براه

افتاده است حمایت میکنند و برای گسترش آنها تا تبدیل به طوفانی برای آزادی زندانیان سیاسی، همه توان و امکانات خود را بکار خواهد گرفت. حزب همه سازمانها و نهادها و فعالین سیاسی و اجتماعی و همه مردم آزادیخواه را به پیوستن به این کارزارها فرامیخواند.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!  
کارزار آزادی زندانیان سیاسی را  
گسترش دهیم!

حزب کمونیست کارگری ایران  
۶ فروردین ۱۴۰۰، ۲۶ مارس ۲۰۲۱

فردا خواستار پایان تجمع آنان شد. اما کارگران بر بازگشت فوری همکاران اخراجی و توقف اخراجها تاکید کردند. در برابر اعتراض کارگران حراست اعلام داشت که در صورت عدم بازگشت به کار اخراجی ها هر اقدامی که خود کارگران تصمیم دارند، عملی کنند. در ادامه این اعتراضات و این تجمع کارگران گروه ملی فولاد اولتیماتوم دادند که اگر تا فردا این تصمیم لغو نشود و همکارانمان به سر کار بازنگردند عواقب اقدامات بعدی آنها بر عهده مدیر حراست فولاد و مدیرعامل شرکت خواهد بود.

بدین گونه کارگران فولاد اهواز در مقابل اخراجها متحدانه و محکم ایستاده و مقامات مسئول شرکت را در موقعیت عقب نشینی قرار داده اند.

بدنبال حرکت اعتراض متحدانه کارگران فولاد اهواز و جمع کردن بساط انتخابات نمایشی شورای اسلامی در این شرکت، این دومین حرکت قدرتمند این کارگران در دور جدید مبارزاتشان است. از مبارزات کارگران فولاد باید وسیعا حمایت کرد.

پیش بسوی اعتصابات سراسری  
پیش بسوی ایجاد شوراهای  
حزب کمونیست کارگری ایران  
11 فروردین ۱۴۰۰، ۳۱ مارس  
۲۰۲۱



## اگر تا فردا دو همکار ما سر کار بازنگردند

## دست به اقدام گسترده میزنیم

کردند. بدنبال این اعتراضات بنا بر اخبار منتشر شده مدیر حراست فولاد در عقب نشینی ای آشکار به کارگران معترض اعلام داشت که تا فردا دوازدهم

ساعت هشت صبح امروز یازدهم فروردین ماه شماری از کارگران فولاد اهواز از بخش های مختلف این شرکت در اعتراض به اخراج دو همکار

خود غریب حویزای و حسین رضایی و خبر در پیش بودن اخراج های بیشتر به بهانه خاتمه قراردادهای، برای دومین روز در مقابل تالار اجتماعات تجمع

## اطلاعیه برگزاری کنفرانس تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

کمیته خارج کشور حزب انتخاب کرد. اعضای کمیته منتخب کنفرانس عبارتند از: داوود آرام، عبدالله اسدی، سیامک بهاری، آذر پویا، طه حسینی، سیامک زارع، محمد شکوهی، تهمینه صادقی، اندیشه علیشاهی، عباس ماندگار، سیاوش مدرسی، جمیله میرکی، بابک یزدی.

در بخش اختتامیه کنفرانس حمید تقوایی محورها و جهت گیری فعالیت های آتی حزب در خارج کشور را یک بار دیگر مورد تأکید قرار داد.

کنفرانس با دو روز پرکار، با گزارشات پرشور به همراه پیشنهادات سازنده و راهگشا برای هر چه گسترده تر کردن فعالیت های حزب و دخالتگری در اوضاع متحول بویژه در خارج کشور به کار خود پایان داد.

در اولین جلسه کمیته منتخب، رفقا سیاوش مدرسی بعنوان دبیر و بابک یزدی بعنوان خزانه دار انتخاب شدند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران اول آوریل ۲۰۲۱

آنها به حزب و عضو شدن در حزب به سرزندگی و بشاش بودن حزب افزوده است.

کنفرانس در ادامه وارد مبحث پلاتفرم آتی فعالیت حزب در خارج کشور شد. در این قسمت با یک ارزیابی سیاسی از دوره ای که گذشت، با جهت گیری های سیاسی که این دوره حزب داشت، مباحث مهمی در مورد فعالیت رو به آینده حزب مطرح شد. موضوع بایکوت جمهوری اسلامی، گسترش حضور و دخالتگری حزب در خارج کشور و در میان ایرانیان مقیم خارج، ایجاد ظرف های مبارزاتی و جلب و جذب اکتیویست های جنبش های اعتراضی به حزب، سبک کار جدید و مدرن منتج از مباحث سیاسی این دوره حزب، گسترش فعالیت و حضور در مدیای اجتماعی، در کنار ایجاد سازمان و تشکیلاتی که رابطه ارگانیک تری با اعضا و کادرهای حزب بویژه اعضای تازه حزب و آموزش و ارتقای آنها و سازماندهی آنها را تأمین کند، نکات مهم جهت گیری های بود که در کنفرانس مورد بحث قرار گرفت.

در بخش انتخابات، کنفرانس ۱۳ نفر را برای عضویت در

اعدام، برای آزادی زندانیان سیاسی، سازمان دادن دفاع از حق پناهندگی و علیه دیپورت پناهندگان، جلب همبستگی با جنبش کارگری در ایران، جنبش بی خدایان، جنبش رنگین کمانی ها و برای بایکوت جمهوری اسلامی گزارشات ارائه دادند.

کنفرانس در ادامه به بحث و اظهار نظر شرکت کنندگان پیرامون گزارشات ارائه شده به کنفرانس، ارزیابی از پیشرفت ها و دستاوردهای این دوره پرکار پرداخت. فعالیت های دوره گذشته و گزارشات دست اندرکاران نشان داد که حزب در خارج کشور پویا و رزمنده، متحد و یکپارچه مجموعه چشمگیری فعالیت را با موفقیت به پیش برده است. شکل دادن به فضای فعال سیاسی علیه جمهوری اسلامی در خارج کشور و تأثیر گذاری بر جو سیاسی خارج کشور، افزایش نفوذ و اعتبار حزب و چهره های حزبی و و سعت و تنوع این فعالیت ها از نکات مورد توجه گزارش بود.

حضور چهره های جوان در کنفرانس و بحث و اظهار نظر آنها، نشان می داد که نفوذ حزب در میان نسل جوان گسترش یافته و روی آوری

دستور کار کنفرانس، محمد شکوهی دبیر تشکیلات خارج کشور، به شرح گزارش کارکرد تشکیلات پرداخت. او با تأکید بر تأثیر جهت گیری های اساسی در طی این دوره در مورد نقش اجتماعی حزب در مبارزات جاری، سمت و جهت دادن به تشکیلات خارج و منطبق کردن آن با اعتراضات وسیع اجتماعی در داخل کشور و جلب پشتیبانی جهانی برای منزوی کردن جمهوری اسلامی در همه عرصه ها صحبت کرد و ضمن تأکید بر دستاوردهای چشمگیری تشکیلات خارج با اشاره با کمبودها و نواقص، به سطح بالای انتظارات از حزب اشاره کرد.

سپس مسئولین واحدهای حزب در کشورها و شهرهای مختلف از کانادا، اروپا و استرالیا و همینطور سازمان جوانان حزب گزارش تشکیلات را تکمیل کردند. گسترش جغرافیایی حزب بویژه در ترکیه بسیار مورد توجه قرار گرفت. مسئولین حزب و نهادهای مورد حمایت حزب از فعالیت ها و کمپین های متنوع در دفاع از مبارزات آزادیخواهانه مردم در ایران، علیه حضور مقامات جمهوری اسلامی، علیه

کنفرانس تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری در روزهای شنبه و یکشنبه ۲۷ و ۲۸ مارس سال جاری با شرکت نزدیک به ۱۲۰ نفر از اعضا و کادرهای تشکیلات خارج و اعضای رهبری حزب و همینطور میهمانان به صورت آنلاین برگزار شد. کنفرانس با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت برای گرامی داشت یاد جانبختگان آغاز به کار کرد. حمید تقوایی لیدر حزب، سخنران افتتاحیه کنفرانس خارج کشور بود. او با اشاره به نقطه عطف های تعیین کننده سیاسی در اوضاع سیاسی ایران، به موقعیت ویژه حزب و بویژه نقش حزب در ایجاد ظرفها و کانالهای مبارزاتی برای روی آوری و اتکا هرچه بیشتر فعالین جنبش سرنگونی، جنبش کارگری و جنبش های حق طلبانه به حزب و سیاست ها و رهنمودهای حزبی پرداخت. وی همچنین موفقیت ها و چالش های پیش رو را یادآور شد و جهت گیری های اساسی حزب در خارج کشور برای پاسخگویی به این دوره پرشتاب سیاسی را مورد تأکید قرار داد.

پس از تصویب آئین نامه و

## ابو مشرق عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری چپ عراق درگذشت



از طریق حزب کمونیست کارگر چپ عراق مطلع شدیم که ابو مشرق عضو کمیته مرکزی حزب متاسفانه در سن ۹۰ سالگی در شهر بغداد درگذشته است.

ابو مشرق بعنوان کمونیست آگاه بیشتر از بیست ده سال زندگی اش را وقف روشنفکر و آگاه کردن کارگران و مردم کرد و سالها هدایت تشکیلات بغداد از طریق حزب کمونیست کارگر چپ عراق را به عهده داشت. با درگذشت ابوعزیز رفیق عزیز حزب کمونیست کارگر چپ عراق و به همه مردم آرزو می کنیم.

برصه خود و مردم عراق بیکر از یاران خوب خود را از دست دادند. درگذشت ابو مشرق ضایع لایزال است.

حزب کمونیست کارگر ایران ۹ فروردین ۱۳۹۹، ۲۶ مارس ۲۰۲۱

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۵

## تلخیصی از چند اطلاعیه حزب در مورد نیشکر هفت تپه!



### آغاز سال و ادامه جدال در نیشکر هفت تپه

مقامات مسئول و دارودسته های باند مافیایی اسد بیگی تلاش دارند با تعرضات پی در پی خود کارگران را فرسوده کنند و عقب برانند و زمینه ادامه حضور این باند مافیایی در شرکت نیشکر هفت تپه را فراهم کنند. کارگران قاطعانه در برابر آن ایستاده اند. از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه این سنگر مهم جنبش کارگری باید وسیعا حمایت و پشتیبانی کرد.

### تجمع کارگران نیشکر هفت تپه در اعتراض به اخراجها و پرونده سازنها

روز شنبه ۷ فروردین کارگران نیشکر هفت تپه در اعتراض به اخراج ۸ نفر از همکارانشان و کاهش مدت قرارداد بخشی از کارگران دست به تجمع زدند و اعتراض کردند. این اخراج ها در حالی صورت گرفته است که در سال ۹۸ بدنال اعتراضات گسترده کارگران نیشکر هفت تپه توافقنامه ای با حضور کارفرما و اعضای شورای تأمین و نمایندگان کارگران صورت گرفت که اولین بند آن به ایجاد امنیت شغلی کارگران اختصاص داشت و در آن کارفرما به صراحت متعهد شد که از تاریخ امضای آن توافقنامه اخراج کارگر تحت هر عنوان ممنوع است. اما کارفرما به تعهد خود عمل نکرده و هشت نفر از کارگران را از کار بیکار کرده است و از تمدید بخشی از قراردادهای سرباز زده است. محمد مسحنه، صادق مشهدی، رضا میری زاده، مهدی سجادی، سعادت نیا، سعید بهمنی، سید مرتضی صنوبر از جمله افراد اخراجی هستند. کارگران نیشکر هفت تپه اولتیماتوم داده اند که اگر اخراجها و پرونده سازنها لغو نشود و ادامه یابد و مطالباتشان پاسخ نگیرد اعتصابات خود را از سر خواهند گرفت.

موضوع دیگر پرونده سازنها علیه کارگران است. تا کنون ۲۰۰ پرونده امنیتی برای این کارگران تشکیل شده است. از جمله اخیرا شعبه دوم دادیاری شوش با شکایت مدیریت شرکت به ترتیب از ۳۱ نفر، ۱۲ نفر و ۷ نفر سه پرونده جدا تشکیل

روز ۹ فروردین کارگران بخش دفع آفات شرکت هفت تپه برای سومین روز متوالی در اعتراض به عدم تمدید قراردادها و کاهش زمان آن به سه ماه مقابل دفتر مدیریت تجمع کردند. در بخش تجهیزات نیز هنوز قرارداد ۷ نفر از کارگران به ۶ ماه کاهش یافته است و در برابر اولتیماتوم اعتراضی کارگران، مدیریت برای بازگرداندن قراردادها به شکل قبلی دو روز فرصت خواسته است. در بخش حراست نیز قرارداد تعدادی از کارگران تمدید نشده بود که بعد از اعتراضات سه روز اخیر مدیریت عقب نشست و قرارداد آنها امضا شد. در برابر این تعرضات کارگران نیشکر هفت تپه اعلام کرده اند که باید فوراً تمامی قراردادهای تمدید و کوتاه شدن مدت آنها متوقف شود. خواست کارگران هفت تپه دائمی شدن قراردادهای آنهاست.

هم اکنون جدال در نیشکر هفت تپه بر سر تمدید قراردادها و علیه تعرضات مسئولین شرکت به کارگران ادامه دارد و بخش های مختلف آن متحدانه در برابر این دست اندازها ایستاده و از یکدیگر حمایت میکنند. یک موضوع اعتراض کارگران در نیشکر هفت تپه اخراج هشت نفر از همکارانشان است. محمد مسحنه، صادق مشهدی، رضا میری زاده، مهدی سجادی، سعادت نیا، سعید بهمنی، سید مرتضی صنوبر از جمله افراد اخراجی هستند. کارگران نیشکر هفت تپه اولتیماتوم داده اند که اگر کارگران اخراجی بسر کار بازنگردند و پرونده سازنها متوقف نشود، اگر تمامی قراردادهای تمدید نشود و قراردادهای دائمی نگردند و به این تعرضات خاتمه داده نشود اعتراض و اعتصاب متحدانه خود را در تمامی بخش ها از سر خواهند گرفت. کارگران نیشکر هفت تپه با اتکاء به تصمیم گیری شورایی متحدانه ایستاده اند و پیگیری مطالباتشان هستند.

سجادی، سعادت نیا، سعید بهمنی، سید مرتضی صنوبر از جمله افراد اخراجی هستند. کارگران نیشکر هفت تپه با قدرت در مقابل این اخراج ها و کاهش طول قراردادها ایستاده اند و تا هم اکنون عقب نشینی های خوبی را به مدیران مسئول تحمیل کرده اند. از جمله در خیلی از بخش ها قراردادهای به روال سابق بعضا شش ماه و بعضا یکساله برگشته است. و این درحالیست که یک خواست مهم کارگران نیشکر هفت تپه دائمی شدن قرار دادهای در اعتراضات گذشته توانستند بخشی از قراردادهای را به دائمی تبدیل کنند.

این چنین است که جدالی مداوم و سخت در نیشکر هفت تپه جاریست و کارگران ضمن اینکه استوار در مقابل تعرضات مدیران مسئول و دارودسته اسد بیگی و دولتی ها ایستاده اند، پیگیری مطالباتشان هستند. کارگران نیشکر هفت تپه اولتیماتوم داده اند که اگر کارگران اخراجی بسر کار بازنگردند و پرونده سازنها متوقف نشود، اگر تمامی قراردادهای تمدید نشود و قراردادهای دائمی نگردند و اگر به این تعرضات خاتمه داده نشود اعتراض و اعتصاب متحدانه خود را در تمامی بخش ها گسترش خواهند داد. خواست فوری کارگران خلع ید از باند مافیایی اسد بیگی در شرکت، پرداخت به موقع دستمزدها و حق بیمه، پایان دادن به دزدی ها و چپاولگری ها و خاتمه دادن به امنیتی کردن مبارزاتشان است. از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه باید وسیعا حمایت کرد.

پیش بسوی اعتصابات سراسری پیش بسوی ایجاد شوراها حزب کمونیست کارگری ایران ۱۱ فروردین ۱۴۰۰، ۳۱ مارس ۲۰۲۱

تپه همچنان پیگیر مطالباتشان هستند و در اعتراض به اخراج ها و پرونده سازنها اعلام کرده اند که اگر این روند ادامه یابد اعتصابات خود را از سر خواهند گرفت.

### صف بندی کارگران نیشکر هفت تپه علیه اخراجها و پرونده سازنها

دور جدید اعتصابات در نیشکر هفت تپه آغاز میشود. امروز چهارشنبه ۱۱ فروردین اعتصاب کارگران بخش های مختلف این مجتمع از جمله کارگران تجهیزات و دفع آفات در اعتراض به اخراج ها و کاهش زمان قراردادهای اجرایی نشدن وعده های داده شده وارد پنجمین روز خود شد. در این روز کارگران در مقابل دفتر مدیریت تجمع کردند و بر خواسته های خود تاکید کردند. یوسف بهمنی یکی از نمایندگان کارگران در این تجمع سخنرانی کرد و از تعرضات اخیر به کارگران، اخراجها و پرونده سازی ها و اینکه اخراجهای بیشتری در پیش است سخن گفت و بر اتحاد و مبارزه کارگران تاکید نمود. بخشی از سخنان یوسف بهمنی مربوط به دستگاه قضایی و دست به دست کردن موضوع اعلام خلع ید از اسد بیگی تحت عناوین و بهانه های مختلف بود. او گفت این چه مصلحتی است که در آن کارگران جایی ندارند و هر روزه مورد تعرض قرار میگیرند؟

از اسفند ماه ۹۹ مقامات دست اندر کار در شرکت تحت عنوان اتمام قراردادهای دوباره لیستی از اخراجها را در دستور گذاشته اند. بعلاوه تلاش کردند با کاهش طول زمان قراردادها زمینه اخراجهای وسیعتری را فراهم کنند. محمد مسحنه، صادق مشهدی، رضا میری زاده، مهدی

داده بود که زیر فشار اعتراضات کارگران برای همه این کارگران قرار منع تعقیب صادر شد. در پرونده دیگری نیز که برای ۳۵ نفر از این کارگران تشکیل شده بود، برای سی نفر از آنها قرار منع تعقیب صادر گردیده است. اما برای ۵ نفر از آنان به اسامی یوسف بهمنی، ابراهیم عباسی منجزی، مسعود حیوری، حمید ممبینی و حسین حمدانی قرار جلب به دادرسی صادر شده است. اتهام این ۵ نفر به روال همیشه "اخلال در نظم عمومی" که همانا نظم باند مافیایی اسد بیگی است قید شده است. یک خواست فوری کارگران پایان دادن به این پرونده سازی ها و بسته شدن فوری تمامی پرونده های امنیتی تشکیل شده است.

خلع ید از باند مافیایی اسد بیگی و پایان دادن به چپاول و دزدی ها در صدر مطالبات کارگران نیشکر هفت تپه قرار دارد. این کارگران در پیشبرد این مطالبه موفقیت های خوبی کسب کرده اند. مقامات مسئول خوب میدانند که خلع ید از اسد بیگی و باند او یک موفقیت بزرگ برای کارگران نیشکر هفت تپه و درسی برای همه بخش های کارگری در جدال با بساط چپاول و دزدی حاکم است. از همین رو درحالیکه خبرها حاکی از رسمیت یافتن سلب مالکیت از اسد بیگی در هیات داور و دستگاه قضایی حکومت است، ابلاغ آن را امروز و فردا میکنند و در این میان ضمن ادامه دزدی هایشان با پرونده سازی ها و اخراجها آخرین تقلایشان را به کار میبرند تا بلکه کارگران را عقب بزنند و بساط چپاولگران را درهفت تپه حفظ کنند. این چنین است که با توسل به انواع دسیسه ها و ترفند ها میکوشند برای خود وقت بخرند. اما کارگران نیشکر هفت